

و اقسام جمع این است اول جمع صحیح دوم جمع مکسر و ضم اول و فتح ثانی و فتح ثالث مثلاً دو هر یک از جمع صحیح و مکسر گاه جمع قلت میباشند و گاه جمع کثرت

فصل ۷۴ در بیان معنی جمع صحیح و اوزان آن

جمع صحیح آنرا گویند که در ترتیب حروف مفرد آن تغیر بنابر جمع واقع نشود و طور مساختن این جمع آنست که حروف مفرد را بحالین گذاشته در جمع مذکور بعد حرف اخیر مفرد و او و نون یا یا و نون می افزایند چنانچه جمع لفظ مسلم بمعنی مرد ایمان آورنده  $\text{مُسْلِمُونَ}$  و  $\text{مُسْلِمِينَ}$  می آید و در جمع مونث بعد حرف اخیر مفرد الف و تاء می افزایند چنانچه جمع لفظ  $\text{مُسْلِمَات}$  بمعنی زن ایمان آورنده  $\text{مُسْلِمَات}$  می آید و باید دانست که حرف تاء در آخر لفظ مسلمه علامت تانیث است و چون لفظ مسلمه را جمع میکنند این تاء ساقط میگردد از آنکه جمع آن بالف و تاء دلالت بر تانیث مینماید پس ابقای تاء که در حال افراد بود در کار نیست

فصل ۷۵ در بیان معنی جمع مکسر و جمع قلت و جمع کثرت و اوزان آن

جمع مکسر آنرا گویند که در ترتیب حروف مفرد آن بنابر جمع تغیر واقع شود و جمع قلت آنرا گویند که دلالت بر آعادی کند که زیاده بر دو باشد و برده نیفتد و جمع کثرت آنرا گویند که آحاد آن کم از یازده نباشد و زیاده بر آن هر قدر که باشد باشد از دهائی برای آن معنی نیست و مخفی همانند که اکثر علمای صرف و نحو معنی جمع کثرت همچنین نوشته اند لیکن مولانا سعد الدین تفتازانی

points out some individuals its component parts, and which individuals are considered as comprized in this word.

The different kinds of plural are, 1. *Jummaḥ Se-he-eh* جَمْعٌ صَحِيحٌ 2. *Jummaḥ Mo-kuf-sir* جَمْعٌ مُكَسَّرٌ, and each of these are sometimes *Jummaḥ Kil-lut* جَمْعٌ كَلْتٌ, and sometimes *Jummaḥ Kuff-rut* جَمْعٌ كَثْرَتٌ

#### § 74.

#### *Of Jum-mah Se-he-eh and its measures.*

The *Jum-mah Se-he-eh* is that, whose order of the letters in the singular does not undergo any change in the plural, and the manner of forming this plural is as follows. The letters of the singular are left in their own state, then for the plural masculine after the final letter of singular are added either و and ن, or ي and ن; thus the plural of the word مُسْلِمٌ a man who is a believer, is both مُسْلِمُونَ and مُسْلِمِينَ; and for the plural feminine after the final letter of the singular are added ا and ت, thus the plural of مُسْلِمَةٌ a woman believer, is مُسْلِمَاتٌ. It is to be remarked, that the letter ت at the end of this word is the sign of the feminine gender, which ت in forming the plural is dropt, because the plural thereof by ا and ت, denotes the feminine gender, and consequently there is no necessity for retaining the ت that was in the singular state.

#### § 75.

#### *Of the Jum-mah Mo-kuf-sir, Jummaḥ Kil-lut, the Jum-mah Kuff-rut, and the measures thereof.*

The *Jummaḥ Mo-kuf-sir* is when the arrangement of the letters of the singular undergoes some change in forming the Plural. The *Jum-mah Kil-lut*, is that which denotes more individuals than two, and not beyond ten; and *Jum-mah Kuff-rut* is that whose individuals are not less than eleven, and as many more as may be. This is the definition given by many Grammarians;—but *Mollanā Saad-ed-deen Tuf-tā-zā-nee* in his book en-

تفتازانی در کتاب تلویح که در علم اصول فقه است فرموده که جمع کثرت آنست که آحاد آن کم از سه نباشد و ما هر آن زبان عربی میدانند که این معنی موافقتر با استعمال است و باید آنست که وزن جمع قنات و کثرت در جمع صحیح جدا جدا نیست همین یک وزن است که از آن قلت و کثرت بحسب قرینه مقام استفاده میشود اما وزن جمع قلت و جمع کثرت در جمع مکسر جدا جدا است بنا بر آن جدا جدا مذکور کرده میشود

فصل ۷۶ در بیان اوزان جمع مکسر که برای قلت موضوع است و آن چهار وزن است

اول اَفْعَلْ بفتح اول و سکون ثانی و ضم ثالث و آن جمع فَعْل می آید بفتح اول و سکون ثانی چون فَعْلَس بمعنی درم زبون که جمع آن اَفْعَلَس است و هم جمع فَعَال می آید بکسر اول و فتح ثانی چون ذِرَاع بمعنی کمر که جمع آن اَذْرَع است و هم جمع فَعْل می آید بکسر اول و سکون ثانی چون رِجْل بمعنی پا که جمع آن اَرْجَل است و هم جمع فَعْل می آید بکسر اول و فتح ثانی چون ضِلَع بمعنی استخوان پهلو که جمع آن اَضْلَع است دوم اَفْعَال بفتح اول و سکون ثانی و فتح ثالث و آن جمع فَعْل می آید بفتح اول و سکون ثانی چون قُرُون بمعنی تنها و طاق که جمع آن اَقْرَان است و هم جمع فَعْل می آید بضم اول و سکون ثانی چون حُر بمعنی مرد آزاد که جمع آن اَحْرَار است و هم جمع فَعْل می آید بکسر اول و سکون ثانی چون حِمْل بمعنی باری که بر سر یا پشت کنند جمع آن اَحْمَال است و هم جمع فَعْل می آید بضم اول و سکون





2d.  $\text{فَعَالٌ}$   $\text{F}^3 \text{S}^2 \text{F}^1$  Plural.*Measures of the Singular.**Plural.*

|          |      |                          |        |
|----------|------|--------------------------|--------|
| فَعْلٌ   | فرد  | Single.                  | افراد  |
| فَعْلٌ   | حر   | A free man.              | احرار  |
| فَعْلٌ   | حمل  | A load.                  | احمال  |
| فَعْلٌ   | لب   | Wisdom.                  | اللباب |
| فَعْلٌ   | عنق  | A neck.                  | اعناق  |
| فَعُولٌ  | عدو  | An enemy.                | اعداء  |
| فَعْلٌ   | عنب  | A grape.                 | اعناب  |
| فَعِيلٌ  | شريف | A person of distinction. | اشراف  |
| وَيَعِلٌ | ميت  | Dead.                    | اموات  |
| فَاعِلٌ  | طاهر | Pure.                    | اطهار  |

2d.  $\text{أَفْعَلَةٌ}$   $\text{F}^4 \text{K}^3 \text{S}^2 \text{F}^1$  Plural.*Measures of the Singular.**Plural.*

|         |      |           |       |
|---------|------|-----------|-------|
| فَعَالٌ | زمان | Time.     | ازمنة |
| فَعُولٌ | عبود | A potter, | اعبد  |

4th.  $\text{فُعْلَةٌ}$   $\text{F}^3 \text{S}^2 \text{K}^1$  Plural.*Measure of the Singular.**Plural.*

|         |      |        |      |
|---------|------|--------|------|
| فُعَالٌ | غلام | A boy. | غلبة |
|---------|------|--------|------|

*Measures*

فصل ۷۷ در بیان اوزان جمع مکسر که برای کثرت موضوع است  
و ان بیست و نه وزن است که در فارسی مستعمل میشود

اول فَعَلَ بضم اول و سکون ثانی و آن جمع فَعَلَ می آید. بفتح اول و سکون ثانی  
چون سَعَف بمعنی بام که جمع آن سَعَف است و هم جمع فَعَلَ می آید. بضم اول  
و سکون ثانی چون فَلَک بمعنی کشتی که جمع آن فَلَک است و باید دانست  
که در اینجا وزن مفرد و وزن جمع متحد است. جداست. تقریباً مقام معلوم می شود و هم جمع  
فَعَلَ می آید. بفتحین چون اَسَد بمعنی شیر که جمع آن اَسَد است دوم فَعَلَ  
بضمین و آن جمع فَعِلَّة می آید. بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثالث و فتح رابع چون  
سَعْبَنَه بمعنی کشتی که جمع آن سَعْن است سیوم فَعَلَ بضم اول و فتح ثانی و آن  
جمع فَعْلَة می آید. بکسر اول و سکون ثانی و فتح ثالث چون حَلِیَّة بمعنی زیور که جمع آن  
حَلِی است چهارم فَعَلَ بکسر اول و فتح ثانی و آن جمع فَعْلَة می آید. بکسر اول  
و سکون ثانی و فتح ثالث چون فِرْقَه بمعنی گروه که جمع آن فِرَق است پنجم فَعْلَة  
بفتح اول و ثانی و ثالث و آن جمع فاعِل می آید. بفتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث چون  
عَامِل بمعنی کارکننده که جمع آن عَمَله است ششم فَعْلَة بضم اول و فتح ثانی و

## § 77.

*Of the measures of the Jumma Mo-kuf-fir used for the Kufs-rut.*  
*Of these measures 29 are used in Persian.*

| 1st. فَعْل ̄S̄ ̄Z̄. Plural. |     |         |         |
|-----------------------------|-----|---------|---------|
| Measures of the Singular.   |     |         | Plural. |
| Ex.                         |     |         |         |
| فَعْل                       | سقف | A roof. | سقف     |
| فَعْل                       | فلك | A boat. | فلك     |
| فَعْل                       | اسد | A lion. | اسد     |

---

| 2d. فَعْل ̄Z̄ ̄Z̄. Plural. |       |         |         |
|----------------------------|-------|---------|---------|
| Measure of the Singular.   |       |         | Plural. |
| Ex.                        |       |         |         |
| فَعْلَة                    | سفينة | A boat. | سفن     |

---

| 3d. فَعْل ̄F̄ ̄Z̄. Plural. |       |             |         |
|----------------------------|-------|-------------|---------|
| Measure of the Singular.   |       |             | Plural. |
| Ex.                        |       |             |         |
| فَعْلَة                    | حليمة | A ornament. | حلى     |

---

| 4th. فَعْل ̄F̄ ̄K̄. Plural. |      |          |         |
|-----------------------------|------|----------|---------|
| Measure of the Singular.    |      |          | Plural. |
| Ex.                         |      |          |         |
| فَعْلَة                     | فرقة | A tribe. | فرق     |

---

| 5th. فَعْلَة ̄F̄ ̄F̄ ̄F̄. Plural. |      |                              |         |
|-----------------------------------|------|------------------------------|---------|
| Measure of the Singular.          |      |                              | Plural. |
| Ex.                               |      |                              |         |
| فَاعِل                            | عامل | A collector of the revenues. | عبله    |

\* Here the singular and plural are both alike, and can only be distinguished by the construction.



6th. <sup>فَعْلَة</sup> F̄ F̄ Z̄. Plural.

Measure of the Singular.

Plural.

|        |        |          |        |
|--------|--------|----------|--------|
| فَاعِل | قَاضِي | A judge. | قَضَاة |
|--------|--------|----------|--------|

It is to be observed that the word قَضَاة was originally قَضِيَّة, but it being a rule with the Arabians that every accented ي, preceded by a letter accented with *Futteh*, is to be changed ي into *Alij*, in which account they state قَضَاة, and also of the measure فُعْلَان as عَرِيَان *naked*, the plural is عَرَاة.

7th. <sup>فَعَّال</sup> F̄ Z̄. Plural.

Measure of the Singular.

Plural.

Ex.

|        |        |                     |        |
|--------|--------|---------------------|--------|
| فَاعِل | جَاهِل | An ignorant person. | جَهَال |
|--------|--------|---------------------|--------|

8th. <sup>فَعَال</sup> F̄ K̄. Plural.

Measures of the Singular.

Plural.

Ex.

|         |         |                      |        |
|---------|---------|----------------------|--------|
| فَعْل   | عَبْد   | A slave.             | عِبَاد |
| فَعْلَة | رَقَبَة | A neck.              | رِقَاب |
| فَعْلَى | اُنْثَى | A woman.             | اُنَاث |
| فَعِيل  | جَيِّد  | Any thing excellent. | جَيَان |
| فَعِيل  | كَرِيم  | One who is merciful. | كِرَام |
| فَعْل   | سَبْع   | A beast of prey.     | سَبَاع |
| فَعْل   | حَسَن   | A good work.         | حَسَان |

حَسَن است نهم فَعُول اضم اول و ثانی و سکون ثالث و آن جمع فَعَل می آید  
 بفتح اول و سکون ثانی چون فُلَس بمعنی درم زبون که جمع آن فُلُوس است و به  
 جمع فَعَل می آید بفتح ثانی چون ذِکَر بمعنی مرد که جمع آن ذِکُور است دهم فِعْلَان  
 بکسر اول و سکون ثانی و فتح ثالث و آن جمع فِعَال می آید بکسر اول و فتح ثانی چون  
 غِرَال بمعنی آه که جمع آن غِرَالَن است یازدهم فَعْلَى بفتح اول و سکون ثانی و فتح  
 ثالث و در آخر این لفظ الف است که بصورت یامینویسند و آن جمع فَعِیل می آید  
 بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثالث چون مَرِیض بمعنی بیمار که جمع آن مَرَضَى است  
 دوازدهم فَعَلَا بضم اول و فتح ثانی و ثالث آن جمع فَاعِل می آید بفتح اول و سکون  
 ثانی و کسر ثالث چون شَاعِر بمعنی موزون کننده سخن که جمع آن شَعْرَا است و هم جمع  
 فَعِیل می آید بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثالث چون شَرِیف بمعنی بزرگ که جمع  
 آن شَرَفَا است و هم جمع فَعِیلَة می آید بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثالث و فتح رابع  
 چون خَلِیغَه بمعنی قایم مقام کسی که جمع آن خَلَفَا است سیزدهم اَفْعَلَا بفتح اول  
 و سکون ثانی و کسر ثالث و فتح رابع و آن جمع فَعِیل می آید بفتح اول و کسر ثانی و سکون  
 ثالث چون نَبِی بمعنی خیر دهنده از طرف خدا که جمع آن اَنْبِیَا است و باید دانست  
 که اَطْبَا جمع طَبِیب و اَعْلَا جمع عَلِیل و امثال آن هم برین وزن است لکن چون مدرک

9th.  $\text{فَعُول} \begin{smallmatrix} \text{F}^3 & \text{S}^2 & \text{Z}^1 \end{smallmatrix}$ . Plural.  
*Measures of the Singular.*  
 Ex.

Plural.

|        |      |              |
|--------|------|--------------|
| فَعُول | فلس  | A base coin. |
| فَعُول | نَكر | A man.       |

|        |
|--------|
| فلوس   |
| نَكَور |

10th.  $\text{فَعْلَان} \begin{smallmatrix} \text{F}^3 & \text{S}^2 & \text{K}^1 \end{smallmatrix}$ . Plural.  
*Measure of the Singular.*  
 Ex.

Plural.

|          |      |         |
|----------|------|---------|
| فَعْلَان | غزال | A deer. |
|----------|------|---------|

|       |
|-------|
| غزلان |
|-------|

11th.  $\text{فَعِيلِي} \begin{smallmatrix} \text{F}^3 & \text{S}^2 & \text{F}^1 \end{smallmatrix}$ . Plural.  
*Measure of the Singular.*  
 Ex.

Plural.

|          |          |                |
|----------|----------|----------------|
| فَعِيلِي | مَرِيضِي | A sick person. |
|----------|----------|----------------|

|          |
|----------|
| مَرِيضِي |
|----------|

12th.  $\text{فَعَلَا} \begin{smallmatrix} \text{F}^4 & \text{F}^3 & \text{Z}^1 \end{smallmatrix}$ . Plural.  
*Measures of the Singular.*  
 Ex.

Plural.

|           |       |              |
|-----------|-------|--------------|
| فَعَلَا   | شاعر  | A poet.      |
| فَعِيلِي  | شريف  | A noble.     |
| فَعِيلَاة | خليفة | A successor. |

|      |
|------|
| شعرا |
| شرفا |
| خلفا |

13th.  $\text{أَفْعَلَا} \begin{smallmatrix} \text{F}^4 & \text{K}^3 & \text{S}^2 & \text{F}^1 \end{smallmatrix}$ . Plural.  
*Measure of the Singular.*  
 Ex.

Plural.

|           |       |            |
|-----------|-------|------------|
| أَفْعَلَا | نَبِي | A prophet. |
|-----------|-------|------------|

|        |
|--------|
| انبياء |
|--------|

وزن جمع دو حرف از یک جنس متصل یکدیگر واقع شده لهذا یکی را در دیگری موافق قاعده  
 زبان عرب ادغام کردند چنانچه لفظ اطبا در اصل اطببا بود باین اول در باین ثانی مدغم شده  
 و لفظ اعلی در اصل اعلیلا بود لام اول را در لام ثانی ادغام نمودند چهارم فَعَالٍ  
 نضم اول و فتح ثانی و سکون ثالث و فتح رابع و آخر این لفظ الف است که بصورت یامینویسند  
 و آن جمع فَعِيل می آید بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثالث چون اَسِير بمعنی گرفتار که جمع  
 آن اَسَارٍ است پانزدهم فَعَالٍ بفتح اول و ثانی و سکون ثالث و کسر رابع و آن جمع  
 فَعْلٍ می آید بفتح اول و سکون ثانی و فتح ثالث و در آخر این لفظ الف است که بصورت  
 یامینویسند چون دَعَوٍ بمعنی طلب چیزی که جمع آن دَعَاوٍ است و هم جمع فَعْلٍ  
 می آید بفتح اول و سکون ثانی چون اَهْل بمعنی کسان سرای که جمع آن اَهَالٍ است و هم  
 جمع فَعْلَةٍ می آید بفتح اول و سکون ثانی و فتح ثالث چون لَبَلَةٌ بمعنی شب که جمع  
 آن لَبَالٍ است شانزدهم فَعَالٍ بفتح اول و ثانی و سکون ثالث و فتح  
 رابع و در آخر این لفظ الف است که بصورت یامینویسند و آن جمع فَعْلٍ می آید  
 بفتح اول و سکون ثانی و فتح ثالث و در آخر این لفظ الف است که بصورت یامینویسند  
 چون قَتَوٍ بمعنی حکمی که فقها در مسئله میکنند و جمع آن قَتَاوٍ است و هم جمع  
 فَعِيلٍ می آید بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثالث چون یَتِيم بمعنی کودکی که پدرش  
 مرده

It is to be observed that أَطْبَا the plural of طَبِيب and أَعْلَا the plural of عَلِيل, and such like, are also of this measure; but because in this measure of the plural the same letter occurs twice together, they are therefore blended conformably to the rules of Arabick Grammar. In such manner as in the word أَطْبَا which originally was أَطْبِيَا, the first ب is blended in the second; and in the word أَعْلَا originally أَعْلِيَا, the two Lams are blended together.

14th. <sup>1 2 3 4</sup>فَعَالِي F S F Z. Plural.  
Measure of the Singular.

Plural.

فَعِيل | اسْر | A prisoner.

| اساري

15th. <sup>1 2 3 4</sup>فَعَالِي K S F F. Plural.  
Measures of the Singular.

Plural.

فَعِيل | د عوى | A requisition.

| د عاوي

فَعْل | اهل | One of a family.

| اهالي

فَعْلَة | ليلة | One night.

| ليا لي

16th. <sup>1 2 3 4</sup>فَعَالِي F S F F. Plural.  
Measures of the Singular.

Plural.

Ex.

فَعِيل | فتوى | A decree of a judge.

| فتاوي

فَعِيل | يتيم | An orphan.

| يتامي

Measures



## 17th. فَعَّالٌ K S F F. Plural.

*Measures of the Singular.**Plural.*

Ex.

|           |           |               |           |
|-----------|-----------|---------------|-----------|
| فَعُولٌ   | عَجُوزٌ   | An old woman. | عَجَائِزٌ |
| فَعَالَةٌ | رِسَالَةٌ | A treatise.   | رِسَالٌ   |
| فَعِيلَةٌ | سَفِينَةٌ | A Ship.       | سَفَائِنٌ |
| فَعْلَةٌ  | حُرٌّ     | A free woman. | حُرَائِرٌ |

## 18th. فَوَاعِلٌ K S F F. Plural.

*Measures of the Singular.**Plural.*

Ex.

|           |           |          |           |
|-----------|-----------|----------|-----------|
| فَاعِلٌ   | سَاحِلٌ   | A shore. | سَوَاجِلٌ |
| فَاعِلَةٌ | رَاحِلَةٌ | A fowl.  | رَوَاجِحٌ |

## 19th. أَفَاعِلٌ K S F F. Plural.

*Measure of the Singular.**Plural.*

|          |          |           |           |
|----------|----------|-----------|-----------|
| أَفْعَلٌ | أَصْبَعٌ | A finger. | أَصَابِعٌ |
|----------|----------|-----------|-----------|

## 20th. أَفَاعِيلٌ S K S F F. Plural.

w

*Measures*

و هم جمع أَفْعُول می آید بضم اول و سکون ثانی و ضم ثالث و سکون رابع چون  
 أَقْنُوْم بمعنی وجود و حیات و علم با اصطلاح ترسیان و آنرا تعبیر به پدر و پسر و  
 روح القدس هم کنند که جمع آن أَقْنَانِیم است و هم جمع فَعِیل می آید بفتح اول و کسر ثانی  
 و سکون ثالث چون حَدِیْث بمعنی سخن که جمع آن أَحَادِیْث است و هم جمع  
 فَاعِل می آید بفتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث چون بَاطِل بمعنی ناچیز و ناجق که جمع  
 آن أَبَاطِلُ است بیست و یکم تَفَاعِل بفتح اول و ثانی و سکون ثالث و کسر  
 رابع و آن جمع تَفَعَّلَ می آید بفتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث و فتح رابع چون تَجَرَّبَ  
 بمعنی آزمودن که جمع آن تَجَارِبُ است بیست و دوم تَفَاعِیل بفتح اول و ثانی  
 و سکون ثالث و کسر رابع و سکون خامس و آن جمع تَفَعَّال می آید بکسر اول  
 و سکون ثانی و فتح ثالث چون تَهْتَال بمعنی مشامهه که جمع آن تَهَاتِیلُ است  
 بیست و سیوم مَفَاعِل بفتح اول و ثانی و سکون ثالث و کسر رابع و آن جمع  
 مَفَعَل می آید بفتح اول و سکون ثانی و فتح ثالث چون مَنَصَّب بمعنی مرتبه که جمع  
 آن مَنَاصِبُ است و هم جمع مَفْعَل می آید بفتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث چون  
 مَسْجِد بمعنی عبادت خانه که جمع آن مَسَاجِدُ است و هم جمع مَفْعَلَه می آید بفتح اول  
 و سکون ثانی و کسر ثالث و فتح رابع چون مَحْبَدَه بمعنی ستودن که جمع آن  
 مَحَامِدُ است بیست و چهارم مَفَاعِیل بفتح اول و ثانی و سکون ثالث و کسر رابع  
 و سکون

*Measures of the Singular.**Plural.*

|           |           |               |            |
|-----------|-----------|---------------|------------|
| اَقْلِيمٌ | اَقْلِيمٌ | A climate.    | اَقَالِيمٌ |
| اَفْعُولٌ | اَقْنُومٌ | A substance.  | اَقَانِيمٌ |
| فَعِيلٌ   | حَدِيثٌ   | A tradition.  | اَحَادِيثٌ |
| فَاعِلٌ   | بَاطِلٌ   | A vain thing. | اِبَاطِيلٌ |

21st. تَغَاعُلٌ K S F F. *Plural.**Measure of the Singular.**Plural.*

|             |            |                |           |
|-------------|------------|----------------|-----------|
| تَغَاعُلَةٌ | تَجْرِبَةٌ | An experiment. | تَجَارِبٌ |
|-------------|------------|----------------|-----------|

22d. تَغَاعِيلٌ K S F F. *Plural.**Measure of the Singular.**Plural.*

|            |            |             |             |
|------------|------------|-------------|-------------|
| تَغَاعِيلٌ | تَهْنِئَةٌ | A likeness. | تَهْنِئَاتٌ |
|------------|------------|-------------|-------------|

23d. مَغَالِكٌ S K S F F. *Plural.**Measures of the Singular.**Plural.*

|             |            |                 |           |
|-------------|------------|-----------------|-----------|
| مَغَالِكٌ   | مَنْصِبٌ   | A dignity.      | مَنْاصِبٌ |
| مَغَالِكٌ   | مَسْجِدٌ   | A mosque.       | مَسَاجِدٌ |
| مَغَالِكَةٌ | مَحْمَدَةٌ | A commendation. | مَحَامِدٌ |

و سکون خامس و آن جمع مفعَل می آید بکسر اول و سکون ثانی و فتح ثالث چون  
 مَصْبَاح بمعنی چراغ که جمع آن مَصَابِیح است و هم جمع مفعُول می آید بفتح اول  
 و سکون ثانی و ضم ثالث و سکون رابع چون مَلْعُون بمعنی رانده شده از رحمت  
 خدای تعالی که جمع آن مَلَاعِین است بیست و پنجم نَعَالِین بفتح اول و ثانی  
 و سکون ثالث و کسر رابع و سکون خامس و آن جمع فَعْلَان می آید بضم اول  
 و سکون ثانی و فتح ثالث چون سَلْطَان بمعنی پادشاه که جمع آن سَلْطِین است  
 و هم جمع فَعْلَان می آید بفتح اول و سکون ثانی و فتح ثالث چون شَیْطَان بمعنی دیو  
 که جمع آن شَیْاطِین است بیست و ششم فَعَالِل بفتح اول و ثانی و سکون ثالث  
 و کسر رابع و آن جمع فَعْلَل می آید بکسر اول و سکون ثانی و فتح ثالث چون دَرَاهِم  
 بمعنی وزن مشهور که جمع آن دَرَاهِم است و باید دانست که این وزن جمع  
 برای اسم رباعی در زبان عرب مقرر است و هم باید دانست که در زبان عرب  
 همین وزن جمع برای اسم خماسی نیز مقرر است چنانچه جمع لفظ سَفَرَجَل بمعنی  
 به میوه مشهور سَفَارِج است پس درین وزن حرف خامس اصلی لفظ خماسی  
 مخدوف میشود و این حذف حرف خامس در جمع خماسی مطرد است بیست و هفتم  
 فَعَالِیل بفتح اول و ثانی و سکون ثالث و کسر رابع و سکون خامس و آن جمع فَعْلَال  
 می آید

24th. مَغَائِلِ  $\dot{S} \dot{K} \dot{S} \dot{F} \dot{F}$ . Plural.

Measures of the Singular.

|           |       |                    |       |
|-----------|-------|--------------------|-------|
| مَغَائِلِ | مصباح | A lamp.            | مصباح |
| مَغُولِ   | ملعون | An accursed being. | ملعين |

Plural.

25th. فَعَائِلِ  $\dot{S} \dot{K} \dot{S} \dot{F} \dot{F}$ . Plural.

Measures of the Singular.

Ex.

|           |       |          |        |
|-----------|-------|----------|--------|
| فَعَائِلِ | سلطان | A king.  | سلاطين |
| فَعَائِلِ | شیطان | A devil. | شیاطین |

Plural.

26th. فَعَائِلِ  $\dot{K} \dot{S} \dot{F} \dot{F}$ . Plural.

Measure of the Singular.

Ex.

|           |      |           |       |
|-----------|------|-----------|-------|
| فَعَائِلِ | درهم | A derhim. | دراهم |
|-----------|------|-----------|-------|

Plural.

It is to be observed that the measure of the plural for the *Isim Ru-ba-ee* or noun with five radical letters, as well as for the *Isim Kō má-fee*, or noun with four radicals, is the same; as for example, the plural of the word سفرجل a quince is سفارج. Therefore in this measure the fifth radical letter of a five lettered word is rejected, and the rejection of the fifth letter in the five lettered is invariable.

27th. فَعَائِلِ  $\dot{S} \dot{K} \dot{S} \dot{F} \dot{F}$ . Plural.

Measure of the Singular.

|           |       |          |        |
|-----------|-------|----------|--------|
| فَعَائِلِ | قرطاس | A paper. | قراطيس |
|-----------|-------|----------|--------|

Plural.

Measure

می آید بکسر اول و سکون ثانی و فتح ثالث چون قرطاس بمعنی کاغذ که جمع آن قراطیس است بیست و هشتم فعّالمة بفتح اول و ثانی و سکون ثالث و کسر رابع و فتح خامس و آن جمع فعّلیل می آید بفتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث و سکون رابع چون قرزین بمعنی مهره مثهور شطرنج که جمع آن قرزینه است بیست و نهم أفاعلة بفتح اول و ثانی و سکون ثالث و کسر رابع و فتح خامس و آن جمع اسمی می آید که بر وزن أفعال می باشد بفتح اول و سکون ثانی و فتح ثالث و آخرین اسم یای نسبت بود چون أشعری بمعنی شخصی که تابع مذهب شیخ ابوالحسن اشعری که از اکابر مثهور اهل اسلام است باشد و جمع آن أشعرة است و باید دانست که در زبان عرب گاه جمع را جمع میکنند چنانچه لفظ قول بمعنی سخن که جمع آن اقوال است و جمع اقوال اقویل است و چنانچه لفظ بیت بمعنی خانه که جمع آن بیوت است و جمع بیوت بیوات است و هم باید دانست که در زبان عرب قسمی از جمع است که حروف مفرد در آن یاقه نمی شود چنانچه لفظ ألویضتین و اولی بضم الف و کسر لام که جمع ذوات است بضم اول بمعنی صاحب و مخفی نماید که واو در لفظ اولی می نویسند لیکن نمی خوانند و در فارسی لفظ اولی از لفظ لوبیاریست و است شیخ سعدی علیه الرحمه و در دیوانه گاهستان میفرماید که خلاف راه صواب است و عکس رای اولی الالباب که ذوالفقار علی در نیام و زبان سعدی در کام

|                          |                                   |         |
|--------------------------|-----------------------------------|---------|
| 28th.                    | فَعَالَةٌ F K S F F. Plural.      |         |
| Measure of the Singular. |                                   | Plural. |
| فَعْلِيلٌ                | فرزين   The Vizier at Chess.      | فرازنه  |
| 29th.                    | أَفَاعِلَةٌ F K S F F. Plural.    |         |
| Measure of the Singular. |                                   | Plural. |
| أَفْعَلٌ                 | اشعري   One of the sect of Ushar. | اشاعره  |

It is used for the plural of a noun of the measure *افعل* F S F. and the final letter of this noun is always *ياي* نسبت or *yea* of Appellation, as *اشعري* or a person who is the follower of *Sheikh Abul kuffun Asba-ree*, a celebrated Mohammedan chief, and the plural is *اشاعره* — And it is to be observed that in the Arabick language the plural is sometimes made plural, like as the word *قول* *speech*, whose plural is *اقوال* and the plural of which is *اقاويل* and in like manner the word *بيت* *a house*, whose plural is *بيوت* and the plural of the latter is *بيوتات* — And it is also to be observed that in the Arabick language there is a plural wherein no letter of the singular number is to be found; thus the word *اولي* with two *Zums*, and *الو* the *Alif Futteh* and the *Lam Kuffir*, the singular of both being *ذو* with the first letter *Zum*, and signifying *most*.

It is well known that in the word *اولي* the letter *و* is written, but not pronounced, and in Persian this word is more commonly used by them *الو* *Sheikh Sady* in his preface to the *Goolistan* says, “It is most contrary to the sentiments of the wise, that the sword of Aly should remain in the scabbard, or that the tongue of *Sady* should cleave to the roof of the mouth.”

# CONTENTS.

|                                                                                                                                                                 | Sec. | Page |                                                                                                                              | Sec. | Page |                                                                                                                                               | Sec. | Page |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|------|
| <b>INTRODUCTION,</b>                                                                                                                                            |      |      |                                                                                                                              |      |      |                                                                                                                                               |      |      |
| Nouns,                                                                                                                                                          | 1    | 3    | The manner of forming the Ifm Fa-il from the simple three lettered infinitive,                                               | 29   | 59   | The measures of the Ifm Zurf of the simple three lettered infinitives, according to the six modifications of the nouns wherein changes occur, | 51   | 125  |
| Radical and Servile Letters,                                                                                                                                    | 2    | 5    | The measures of the Ifm Fa-il of the simple three lettered infinitives according to the six qualifications thereof,          | 30   | 61   | The Ifm Zurf of the three lettered infinitive with serviles, and of the four lettered simple with and without serviles,                       | 52   | 127  |
| Seven modifications of Nouns,                                                                                                                                   | 3    | 7    | The manner of forming the Ifm Fa-il from the three lettered infinitive with serviles,                                        | 31   | 63   | Ifm A-leh, the noun of instrument,                                                                                                            | 53   | 127  |
| Ifm Se-he ch,                                                                                                                                                   | 4    | 7    | The measure of the Ifm Fa-il of three lettered verbs with serviles, according to the six modifications,                      | 32   | 69   | The formation of the Ifm A-leh,                                                                                                               | 54   | 127  |
| Me-fai,                                                                                                                                                         | 5    | 7    | The manner of forming the Ifm Fa-il from the simple four lettered infinitives,                                               | 33   | 81   | The measures of the Ifm A-leh according to the six modifications of the nouns wherever changes occur,                                         | 55   | 129  |
| Di-wuf,                                                                                                                                                         | 6    | 7    | The manner of forming the Ifm Fa-il from the four lettered infinitive with serviles,                                         | 34   | 81   | The Ifm Ja-mid,                                                                                                                               | 56   | 133  |
| Nakis,                                                                                                                                                          | 7    | 9    | The manner of forming the Ifm Fa-il of the infinitive annexed to the four lettered verbs with serviles,                      | 35   | 83   | The Ifm Ja-mid of simple three letters,                                                                                                       | 57   | 133  |
| Le-fee,                                                                                                                                                         | 8    | 9    | The Ifm Mo-ba-la-gher, being a species of the Ifm Fa-il,                                                                     | 36   | 83   | The measures of simple three lettered Ifm Ja-mid,                                                                                             | 58   | 133  |
| Meh-moos,                                                                                                                                                       | 9    | 9    | The common measure of the Mo-ba-la-gher,                                                                                     | 37   | 85   | The Ifm Ja-mid of three letters with serviles,                                                                                                | 59   | 135  |
| Mo-ra-ul,                                                                                                                                                       | 10   | 11   | The Ifm Muf-ool,                                                                                                             | 38   | 85   | The measures of the Ifm Ja-mid three lettered with serviles,                                                                                  | 60   | 135  |
| The infinitive or Verbal Noun Substantive,                                                                                                                      | 11   | 11   | The manner of forming the Ifm Muf-ool from the simple three lettered infinitive,                                             | 39   | 85   | The simple four lettered Ifm Ja-mid,                                                                                                          | 61   | 135  |
| Different kinds of infinitives,                                                                                                                                 | 12   | 11   | The measures of the Ifm Muf-ool of the simple three lettered infinitives according to the six modifications,                 | 40   | 87   | The measures of the simple four lettered Ifm Ja-mid,                                                                                          | 62   | 137  |
| The simple three lettered and four lettered infinitives, and of those of three and of four letter with serviles,                                                | 13   | 11   | The manner of forming the Ifm Muf-ool from the three lettered infinitives with serviles, according to the six modifications, | 41   | 91   | The four lettered Ifm Ja-mid with servile,                                                                                                    | 63   | 137  |
| Measures most commonly used for the simple three lettered infinitives,                                                                                          | 14   | 15   | Measures of the Ifm Muf-ool of the three lettered infinitives with serviles, according to the six modifications,             | 42   | 95   | The measures of the four lettered Ifm Ja-mid with serviles,                                                                                   | 64   | 139  |
| The simple three lettered infinitives according to the six modifications of nouns, viz. 1. Metal, 2. Uj-wuf, 3. Nakis, 4. Le-fee, 5. Meh-moos, and 6. Mo-ra-ul, | 15   | 19   | The manner of forming the Ifm Muf-ool from the simple four lettered infinitive,                                              | 43   | 114  | The simple five lettered Ifm Ja-mid,                                                                                                          | 65   | 140  |
| The measures of the three lettered infinitives with servile,                                                                                                    | 16   | 25   | Of forming the Ifm Muf-ool from the four lettered infinitive with serviles,                                                  | 44   | 114  | The measures of the simple five lettered Ifm Ja-mid,                                                                                          | 66   | 141  |
| The measures of the three lettered infinitives with serviles according to the six modifications,                                                                | 17   | 25   | The Sefut Mufhe-be-heh,                                                                                                      | 45   | 111  | The five lettered Ifm Ja-mid with serviles,                                                                                                   | 67   | 141  |
| Simple four lettered infinitives,                                                                                                                               | 18   | 47   | The measures of the Sefut Mufhe-be-heh,                                                                                      | 46   | 111  | The measures of the five lettered Ifm Ja-mid with serviles,                                                                                   | 68   | 141  |
| The measures of four lettered verbs, with and without serviles, according to the six qualifications thereof,                                                    | 19   | 47   | The Ifm Taf-zeel,                                                                                                            | 47   | 119  | The Taf-gher or diminutive,                                                                                                                   | 69   | 143  |
| The infinitives annexed to the simple four lettered verb,                                                                                                       | 20   | 47   | The formation of the Ifm Taf-zeel from the infinitive of simple three lettered verbs,                                        | 48   | 121  | The manner of forming the measure of the Ifm Taf-gher,                                                                                        | 70   | 143  |
| The measures of the infinitives annexed to the simple four lettered verb,                                                                                       | 21   | 49   | The Ifm Zurf,                                                                                                                | 49   | 123  | A-maleh, and of several words in which it is used in Persian,                                                                                 | 71   | 143  |
| The four lettered infinitive, with serviles; there are three classes,                                                                                           | 22   | 51   | How to form the Ifm Zurf from the simple three lettered infinitive,                                                          | 50   | 123  | The Taf-ne-yeh or Dual,                                                                                                                       | 72   | 143  |
| The infinitive annexed to the four lettered verb with serviles,                                                                                                 | 23   | 53   |                                                                                                                              |      |      | The Jummah or Plural,                                                                                                                         | 73   | 145  |
| The measure of verbs, annexed to the first class of four lettered verbs with serviles, and of which again there are eight classes,                              | 24   | 53   |                                                                                                                              |      |      | Jummah Se-he-ch and its measures,                                                                                                             | 74   | 147  |
| The infinitives annexed to the second class of four lettered verbs, with serviles, and these are again divided into two classes,                                | 25   | 57   |                                                                                                                              |      |      | The Jummah Mo-kuf-fir, Jummah Kilut, the Jummah Kuffir, and the measures thereof,                                                             | 75   | 147  |
| The nouns whereby the signification of the infinitive is discerned, although these are not themselves infinitives,                                              | 26   | 57   |                                                                                                                              |      |      | The measures of the Jummah Mo-kuf-fir used for the Kilut, and of which there are four,                                                        | 76   | 149  |
| Derivative Nouns,                                                                                                                                               | 27   | 57   |                                                                                                                              |      |      | The measures of the Jummah Mo-kuf-fir used for the Kuffir,                                                                                    | 77   | 153  |
| Ifm Fa-il,                                                                                                                                                      | 28   | 59   |                                                                                                                              |      |      |                                                                                                                                               |      |      |

---

ARABICK DERIVATIVES

USED IN THE

*PERSIAN LANGUAGE.*

---

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class I.*

|                | Verbal Noun.            | Participle active. | Participle passive.   |
|----------------|-------------------------|--------------------|-----------------------|
|                | اسم مصدر<br>فعل Measure | اسم فاعل<br>فَاعِل | اسم مفعول<br>مَفْعُول |
| Praise.        | حمد                     | حامد               | محمود 1               |
| Laud.          | نعت                     | ناعت               | منعوت 2               |
| Extolling.     | مدح                     | مادح               | مدوح 3                |
| Celebration.   | وصف                     | واصف               | موصوف 4               |
| Assistance.    | نصر                     | ناصر               | منصور 5               |
| Conquest.      | فتح                     | فاتح               | مفتوح 6               |
| Comprehension. | فهم                     | مفهم               | مفهوم 7               |
| Sagacity.      | عقل                     | عاقل               | معقول 8               |
| Munificence.   | بذل                     | باذل               | مبذول 9               |
| Extension.     | بسط                     | باسط               | مبسط 10               |
| Good tidings.  | بشر                     | —                  | — 11                  |
| Disputation.   | بحث                     | باحث               | مبحث 12               |
| Abandonment.   | ترك                     | تارك               | متروك 13              |
| Anger.         | قهر                     | قاهر               | مقهور 14              |
| Support.       | حمل                     | حامل               | محمول 15              |
| Digestion.     | هضم                     | هاضم               | — 16                  |
| Attraction.    | جذب                     | جاذب               | مجذوب 17              |
| Change.        | صرف                     | صارف               | مصرف 18               |
| Hearing.       | سمع                     | سامع               | سموع 19               |
| Slaying.       | قتل                     | قاتل               | مقتول 20              |

# مصدر ثلاثی مجرد قسم اول

Noun of time & place, Noun of Instrument, Noun of comparison, Noun of quality, Noun of amplification.

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضیل اسم آله اسم ظرف  
فَعَال فَعِيلْ أَفْعَلْ مَفْعَلْ

|    |      |             |   |      |       |
|----|------|-------------|---|------|-------|
| 1  | —    | —           | — | حمد  | —     |
| 2  | —    | —           | — | —    | —     |
| 3  | —    | —           | — | —    | مداح  |
| 4  | —    | —           | — | —    | وصاف  |
| 5  | —    | —           | — | نصیر | —     |
| 6  | —    | مفتاح مفعال | — | —    | قلع   |
| 7  | —    | —           | — | فہیم | فہام  |
| 8  | —    | —           | — | —    | —     |
| 9  | —    | —           | — | —    | —     |
| 10 | —    | —           | — | بط   | —     |
| 11 | —    | —           | — | بشیر | —     |
| 12 | مبحث | —           | — | —    | بحاث  |
| 13 | —    | —           | — | —    | —     |
| 14 | —    | —           | — | —    | قہار  |
| 15 | —    | —           | — | —    | حمال  |
| 16 | —    | —           | — | —    | —     |
| 17 | —    | —           | — | —    | جذاب  |
| 18 | —    | —           | — | —    | صراف  |
| 19 | —    | —           | — | سمیع | —     |
| 20 | مقتل | —           | — | —    | قوتال |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class I. continued.*

|              | Verbal Noun.              | Participle active. | Part. passive.        |
|--------------|---------------------------|--------------------|-----------------------|
|              | اسم مصدر<br>Measure فَعْل | اسم فاعل<br>فَاعِل | اسم مفعول<br>مَفْعُول |
| Dismissal.   | عزل                       |                    | معزول 1               |
| Conjecture.  | وهم                       | واهمه فاعله        | موهوم 2               |
| Fear.        | خوف                       | خائف               | — 3                   |
| Speech.      | قول                       | قائل               | — 4                   |
| Dispersion.  | نثر                       | ناثر               | منثور 5               |
| Arrangement. | نظم                       | ناظم               | منظوم 6               |
| Abolition.   | نسخ                       | ناسخ               | منسوخ 7               |
| Emigration.  | نقل                       | ناقل               | منقول 8               |

*Derivations from the simple three lettered Verbs, Class II.*

|              | Verbal noun.              | Participle active. | Participle passive.   |
|--------------|---------------------------|--------------------|-----------------------|
|              | اسم مصدر<br>Measure فَعْل | اسم فاعل<br>فَاعِل | اسم مفعول<br>مَفْعُول |
| Sin.         | فسق                       | فاسق               | — 1                   |
| Mercy.       | حلم                       | —                  | — 2                   |
| Lying.       | كذب                       | كاذب               | — 3                   |
| Knowledge.   | علم                       | عالم               | معلوم 4               |
| Remembrance. | حفظ                       | حافظ               | محفوظ 5               |
| Manumission. | عتق                       | —                  | — 6                   |
| Love.        | عشق                       | عاشق               | محبوب 7               |

# مصدر ثلاثی مجرد قسم اول

N. of time and place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification.

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضیل اسم آله اسم ظرف  
فَعَّال مَفْعَل

|   |      |   |   |   |      |
|---|------|---|---|---|------|
| 1 | —    | — | — | — | —    |
| 2 | —    | — | — | — | —    |
| 3 | —    | — | — | — | —    |
| 4 | مقال | — | — | — | قوال |
| 5 | —    | — | — | — | نثار |
| 6 | —    | — | — | — | نظام |
| 7 | —    | — | — | — | —    |
| 8 | —    | — | — | — | نقال |

# مصدر ثلاثی مجرد قسم دوم

N. of time & place. N. of Instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification.

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضیل اسم آله اسم ظرف  
فَعَّال فَعِيل اِنْعَل

|   |   |   |      |      |      |
|---|---|---|------|------|------|
| 1 | — | — | —    | —    | —    |
| 2 | — | — | —    | حایم | —    |
| 3 | — | — | —    | —    | کذاب |
| 4 | — | — | اعلم | حایم | علام |
| 5 | — | — | —    | حفیظ | —    |
| 6 | — | — | —    | عتیق | —    |
| 7 | — | — | —    | —    | —    |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class III.*

|               | Verbal Noun.               | Part. active.      | Part. passive.        |
|---------------|----------------------------|--------------------|-----------------------|
|               | اسم مصدر<br>فعل<br>Measure | اسم فاعل<br>فَاعِل | اسم مفعول<br>مَفْعُول |
| Beauty.       | حسن                        | —                  | — 1                   |
| Impiety.      | كفر                        | كافر               | — 2                   |
| Thankfulness. | شكر                        | شاكر               | مشكور 3               |
| Distance.     | بعد                        | —                  | — 4                   |
| Command.      | حكم                        | حاكم               | محكوم 5               |
| Grief.        | حزن                        | —                  | محزون 6               |
| Difficulty.   | عسر                        | —                  | — 7                   |
| Facility.     | يسر                        | —                  | — 8                   |
| Courtesy.     | لطف                        | —                  | — 9                   |
| Proximity.    | قرب                        | —                  | — 10                  |
| Liberality.   | جود                        | —                  | — 11                  |
| Boring.       | ثقب                        | —                  | مشقوب 12              |
| Employment.   | شغل                        | شاغل               | مشغول 13              |
| Oppression.   | ظلم                        | ظالم               | مظالم 14              |

بصورت ثلاثی مجرد قسم سیوم

| N. of time and place. | N. of Instrument. | N. of comparison. | N. of quality. | N. of amplification. |
|-----------------------|-------------------|-------------------|----------------|----------------------|
| اسم ظرف               | اسم تفضیل         | اسم مبالغه        | اسم صفت مشبہ   | فَعَّال              |
| مفعَل                 | مفعَل             | أفْعَل            |                |                      |

|    |       |       |       |           |      |      |
|----|-------|-------|-------|-----------|------|------|
| 1  | —     | —     | احسن  | فَعَل     | حسن  | —    |
| 2  | —     | —     | اکثر  | —         | —    | —    |
| 3  | —     | —     | —     | M فَعُول  | شکور | —    |
| 4  | —     | —     | ابعد  | M فَعِيل  | بعید | —    |
| 5  | —     | —     | احکم  | —         | —    | —    |
| 6  | —     | —     | —     | —         | حزین | —    |
| 7  | —     | —     | اعسر  | —         | عنیر | —    |
| 8  | —     | —     | ایسر  | —         | یسیر | —    |
| 9  | —     | —     | الطف  | —         | لطیف | —    |
| 10 | —     | —     | اقرب  | —         | قریب | —    |
| 11 | —     | —     | —     | M فَعَّال | جواد | جواد |
| 12 | —     | مشقوب | —     | —         | —    | —    |
| 13 | مشغول | —     | —     | —         | —    | —    |
| 14 | منظوم | —     | انظوم | —         | —    | —    |

*Derivatives from the simple three lettered verbs, Class IV.*

|                | Verbal Noun.    | Part. active. | Part. passive. |
|----------------|-----------------|---------------|----------------|
|                | اسم مصدر        | اسم فاعل      | اسم مفعول      |
|                | Measure فَعْلَة | فَاعِل        | مَفْعُول       |
| Compassion,    | رحمة            | راحم          | مرحوم 1        |
| Negligence,    | غفلة            | غافل          | — 2            |
| Imprecation,   | لعنة            | لعين          | ملعون 3        |
| Astonishment,  | حيرة            | —             | — 4            |
| Excellence,    | جودة            | —             | — 5            |
| Indisposition, | زحمة            | —             | — 6            |
| Repentance,    | نوبة            | تاب           | — 7            |
| Idleness,      | عطالة           | ماطل          | — 8            |

مصدر شائنی مجرور اسم چهارم

N. of time and place. N. of Instrument. N. of comparison.

N. of quality.

N. of amplification.

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضیل اسم آله اسم ظرف

فَعَّالٌ فَعِيلٌ اَنْعَلَ مِّنْعَلٌ مِّنْعَلٌ

1 ————— رحیم ارحم —————

2 ————— ————— —————

3 ————— لعین لعان —————

4 ————— حیران فَعَّالٌ —————

5 ————— جید فَعِيلٌ اچود —————

6 ————— ————— —————

7 ————— ————— ثواب —————

8 ————— ————— —————

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class V.*

|                     | Verbal Noun.                   | Part. active.      | Participle passive.   |
|---------------------|--------------------------------|--------------------|-----------------------|
|                     | اسم مصدر<br>فَعْلَة<br>Measure | اسم فاعل<br>فَاعِل | اسم مفعول<br>مَفْعُول |
| Departure,          | رحلة                           | راجل               | — 1                   |
| Asking in marriage, | خطبة                           | خاطب               | مُخْطَبٌ 2            |
| Philosophy,         | حكمة                           | —                  | — 3                   |
| Prohibiting,        | حماية                          | —                  | — 4                   |
| Legality,           | حالة                           | —                  | — 5                   |
| Intelligence,       | فطنة                           | —                  | — 6                   |
| Poverty,            | قالة                           | —                  | — 7                   |
| Bribery             | رشوة                           | راشي               | — 8                   |
| Chastity,           | عصمة                           | عاصم               | مَعْصُوم 9            |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class VI.*

|              | Verbal Noun.                   | Part. active.      | Part. passive.        |
|--------------|--------------------------------|--------------------|-----------------------|
|              | اسم مصدر<br>فَعْلَة<br>Measure | اسم فاعل<br>فَاعِل | اسم مفعول<br>مَفْعُول |
| Separation,  | فارقة                          | فارق               | — 1                   |
| Preaching,   | خطبة                           | —                  | — 2                   |
| Power,       | قدرة                           | قادر               | مَقْدُور 3            |
| Prohibiting, | حرمة                           | —                  | — 4                   |
| Assistance,  | نصرة                           | ناصر               | مَنْصُور 5            |
| Vigour,      | قوة                            | —                  | — 6                   |

مصدر ثلاثي مجرد مسمو پنجم

Noun of time & place. Noun of Instrument. Noun of comparison. Noun of quality. Noun of amplification.

| اسم مبالغه | اسم صفت مشبه | اسم تفضيل | اسم آل  | اسم ظرف |
|------------|--------------|-----------|---------|---------|
| فَعَال     | فَعِيل       | أَفْعَل   | مَفْعَل | مَفْعَل |
| 1          | رجل          | —         | —       | مرحل    |
| 2          | —            | —         | —       | —       |
| 3          | حكيم         | —         | —       | —       |
| 4          | —            | —         | —       | —       |
| 5          | حنال         | فَعَال    | —       | —       |
| 6          | ظن           | فَعِل     | —       | —       |
| 7          | قایل         | أَقَل     | —       | —       |
| 8          | —            | —         | —       | —       |
| 9          | —            | —         | —       | —       |

مصدر ثلاثي مجرد قسم ششم فعله

Noun of time & place. Noun of Instrument. Noun of comparison. Noun of quality. Noun of amplification.

| اسم مبالغه | اسم صفة مشبه | اسم تفضيل | اسم آل  | اسم ظرف |
|------------|--------------|-----------|---------|---------|
| فَاعُول    | فَاعِيل      | أَفْعَل   | مَفْعَل | مَفْعَل |
| 1          | خطيب         | —         | —       | —       |
| 2          | قدیر         | —         | —       | —       |
| 3          | قذیر         | —         | —       | —       |
| 4          | حرام         | فَعَال    | —       | —       |
| 5          | نصیر         | —         | —       | —       |
| 6          | قوی          | أَقْوَى   | —       | —       |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class VII.*

|              | Verbal Noun. | Part. active. | Part. passive. |
|--------------|--------------|---------------|----------------|
|              | اسم مصدر     | اسم فاعل      | اسم مفعول      |
| Measure      | فَعْل        | فَاعِل        | مَفْعُول       |
| Requisition, | طالب         | طالب          | مطلوب 1        |
| Joyfulness,  | فرح          | —             | — 2            |
| Envy,        | حسد          | حاسد          | مجنسود 3       |
| Sight,       | نظر          | ناظر          | منظور 4        |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class VIII.*

|             | Verbal Noun. | Part. active. | Part. passive. |
|-------------|--------------|---------------|----------------|
|             | اسم مصدر     | اسم فاعل      | اسم مفعول      |
|             | فَعْل        | فَاعِل        | مَفْعُول       |
| Strangling, | خنق          | خائق          | مخنوق 1        |
| Ingenuity,  | حذق          | حاذق          | — 2            |

مصدر ثانی مجرد قسم ہفتم فَعَل

N. of time & place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification.

اسم ظرف اسم آلہ اسم صفت مشبہ اسم تفضیل  
مفعَل مفعَل اَفْعَل

|   |      |   |   |   |   |
|---|------|---|---|---|---|
| 1 | مطاب | — | — | — | — |
| 2 | —    | — | — | — | — |
| 3 | —    | — | — | — | — |
| 4 | —    | — | — | — | — |

مصدر ثانی مجرد قسم ہشتم فَعِل

N. of time & place. N. of instrument. No. of comparison. N. of quality. N. of amplification.

اسم ظرف اسم آلہ اسم صفت مشبہ اسم تفضیل  
مفعَل مفعَل اَفْعَل فَعَال

|   |   |   |   |   |     |
|---|---|---|---|---|-----|
| 1 | — | — | — | — | خاق |
| 2 | — | — | — | — | —   |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class IX.*

|               | <i>Verbal Noun.</i> | <i>Part. active.</i> | <i>Part. passive.</i> |
|---------------|---------------------|----------------------|-----------------------|
|               | اسم مصدر            | اسم فاعل             | اسم مفعول             |
|               | Measure فَعْلَة     | فَاعِل               | مَفْعُول              |
| Overpowering, | غَلَبَة             | غَالِب               | مَغْلُوب              |
| Intimacy,     | اِنْسَانِيَّة       | —                    | مَانُوس               |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class X.*

|        | <i>Verbal noun.</i> | <i>Participle active.</i> | <i>Participle passive.</i> |
|--------|---------------------|---------------------------|----------------------------|
|        | اسم مصدر            | اسم فاعل                  | اسم مفعول                  |
|        | Measure فَعْلَة     | فَاعِل                    | مَفْعُول                   |
| Theft, | سَرَقَة             | سَارِق                    | مَسْرُوق                   |
| Lying, | كَاذِبَة            | كَاذِب                    | —                          |

مصدر ثلاثي مجرد قسم منهم فعلة

N. of time and place. N. of Instrument. N. of comparison.

N. of quality.

N. of amplification.

اسم مبالغة اسم صفت مشبهة اسم تفضيل اسم آلة اسم ظرف .  
فَعَّالٌ فَعِيلٌ أَفْعَلُ

1 — — — اَغْلَبَ قَلَابَ  
2 — — — اَنِيسَ

مصدر ثلاثي مجرد قسم دهم فعلة

N. of time & place.

N. of Instrument.

N. of comparison.

N. of quality.

N. of amplification.

اسم مبالغة اسم صفت مشبهة اسم تفضيل اسم آلة اسم ظرف .  
فَعَّالٌ أَفْعَلُ

1 — — — سَمِرَاقَ  
2 — — — اَكْذَبَ اَكْذَابَ

*Derivatives from the simple three lettered verbs, Class XI.*

|            | <i>Verbal Noun.</i> | <i>Part. active.</i> | <i>Part. passive.</i> |
|------------|---------------------|----------------------|-----------------------|
|            | اسم مصدر            | اسم فاعل             | اسم مفعول             |
|            | Measure فَعَلَ      |                      |                       |
| Smallness, | صغر                 | —                    | — 1                   |
| Greatness, | كبر                 | —                    | — 2                   |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XII.*

|           | <i>Verbal Noun.</i> | <i>Participle active.</i> | <i>Part. passive.</i> |
|-----------|---------------------|---------------------------|-----------------------|
|           | اسم مصدر            | اسم فاعل                  | اسم مفعول             |
|           | Measure فَعَلَ      | فَاعِل                    | مَفْعُول              |
| Guidance, | هَدَى               | هَادِي                    | مَهْدِي 1             |

مصدر ثلاثي مجرد قسم يازدهم فِعْل

*N. of time and place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification.*

اسم مبالغة اسم صفت مشبه اسم تفضيل اسم آلة اسم ظرف  
— فَعِيل — أَنْعَل —

1 — صغير اصغر — —

2 — كبير اكبر — —

مصدر ثلاثي مجرد قسم دوازدہم فِعْل

*N. of time & place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification.*

اسم مبالغة اسم صفت مشبه اسم تفضيل اسم آلة اسم ظرف  
— — — — —

1 — — — — —  
3

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XIII.*

|                     | <i>Verbal noun.</i> | <i>Part. active.</i> | <i>Part. passive.</i> |
|---------------------|---------------------|----------------------|-----------------------|
| Measure.            | اسم مصدر            | اسم فاعل             | اسم مفعول             |
|                     | فَعَال              | فَاعِل               | مَفْعُول              |
| Going,              | ذهاب                | ذاهب                 | — 1                   |
| Rectitude,          | صلاح                | صالح                 | — 2                   |
| Depravity,          | فساد                | فاسد                 | — 3                   |
| Stability,          | ثبات                | ثابت                 | — 4                   |
| Growing,            | نبات                | نابت                 | — 5                   |
| Badness of markets, | كساد                | فاسد                 | — 6                   |
| Pervading,          | نفاذ                | نافذ                 | — 7                   |
| Perfection,         | كمال                | كامل                 | — 8                   |
| Decorum,            | جمال                | —                    | — 9                   |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XIV.*

|                 | <i>Verbal noun.</i> | <i>Part. active.</i> | <i>Part. passive.</i> |
|-----------------|---------------------|----------------------|-----------------------|
| Measure.        | اسم مصدر            | اسم فاعل             | اسم مفعول             |
|                 | فَعَال              | فَاعِل               | مَفْعُول              |
| Standing erect, | قيام                | قام                  | — 1                   |
| Writing,        | كتاب                | كاتب                 | 2 مكاتب               |

مصدر ثلاثي مجرد قسم سيزم فعال

N. of time & place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضيل اسم آلة اسم ظرف  
فَعِيلَ اَنْعَلَ مَفْعَل

|   |      |   |      |       |   |
|---|------|---|------|-------|---|
| 1 | مذهب | — | —    | —     | — |
| 2 | —    | — | اصاح | —     | — |
| 3 | —    | — | —    | —     | — |
| 4 | —    | — | —    | —     | — |
| 5 | منبت | — | —    | —     | — |
| 6 | —    | — | —    | —     | — |
| 7 | منفذ | — | —    | —     | — |
| 8 | —    | — | اکل  | —     | — |
| 9 | —    | — | اجل  | جمايل | — |

مصدر ثلاثي مجرد قسم چهارم فعال

N. of time & place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضيل اسم آلة اسم ظرف  
فَعَال مَفْعَل

|   |      |   |   |   |      |
|---|------|---|---|---|------|
| 1 | —    | — | — | — | —    |
| 2 | مکتب | — | — | — | کتاب |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XV.*

|                | <i>Verbal Noun.</i> | <i>Part. active.</i> | <i>Part. passive.</i> |
|----------------|---------------------|----------------------|-----------------------|
|                | اسم مصدر            | اسم فاعل             | اسم مفعول             |
|                | Measure فَعَالٌ     | فَاعِلٌ              | مَفْعُولٌ             |
| Interrogation. | سؤال                | سائل                 | 1 مَسْئُولٌ           |
| Silence.       | صامت                | صامت                 | 2 —                   |
| Leanness.      | هزال                | —                    | 3 مَهْزُولٌ           |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XVI.*

|               | <i>Verbal noun.</i> | <i>Participle active.</i> | <i>Participle passive.</i> |
|---------------|---------------------|---------------------------|----------------------------|
|               | اسم مصدر            | اسم فاعل                  | اسم مفعول                  |
|               | Measure فَعَالَةٌ   | فَاعِلَةٌ                 | مَفْعُولٌ                  |
| Witnessing.   | شهادة               | شاهد                      | 1 مَشْهُودٌ                |
| Good Tidings. | بشار                | —                         | 2 —                        |
| Stupidity.    | بلادة               | —                         | 3 —                        |
| Imbecility.   | بالهتة              | —                         | 4 —                        |
| Eloquence.    | بالغة               | بالغ                      | 5 —                        |
| Inspection.   | نظارة               | ناظر                      | 6 مَنْظُورٌ                |

مصدر ثلاثی مجرد قسم پانزدہم فَعَال

Noun of time & place. Noun of Instrument. Noun of comparison. Noun of quality. Noun of amplification.

اسم مبالغہ اسم صفت مشبہ اسم تنزیل اسم آلہ اسم ظرف مفعول

|   |     |   |   |   |   |
|---|-----|---|---|---|---|
| 1 | مسل | — | — | — | — |
| 2 | —   | — | — | — | — |
| 3 | —   | — | — | — | — |

مصدر ثلاثی مجرد قسم شانزدہم فَعَالَة

N. of time & place. Noun of Instrument. Noun of comparison. Noun of quality. Noun of amplification.

اسم مبالغہ اسم صفت مشبہ اسم تنزیل اسم آلہ اسم ظرف فَعَال فَعِيل اَنْعَل

|   |   |   |      |      |   |
|---|---|---|------|------|---|
| 1 | — | — | —    | شہید | — |
| 2 | — | — | —    | بشیر | — |
| 3 | — | — | —    | بلید | — |
| 4 | — | — | اہلہ | —    | — |
| 5 | — | — | —    | باغ  | — |
| 6 | — | — | —    | —    | — |



*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XVI. continued.*

|                | Verbal Noun.  | Part. active. | Participle passive. |
|----------------|---------------|---------------|---------------------|
|                | اسم مصدر      | اسم فاعل      | اسم مفعول           |
|                | مفعلة Measure | فَاعِل        | مَفْعُول            |
| Weakness.      | نَقَاهَة      | نَاَقِه       | — 7                 |
| Contrition.    | نَدَامَة      | نَادِم        | — 8                 |
| Jurisprudence. | فَتَاهَة      | —             | — 9                 |
| Folly.         | سَفَاهَة      | —             | — 10                |
| Beauty.        | صَبَاحَة      | —             | — 11                |
| Elegance.      | مَلَاهَة      | —             | — 12                |
| Oratory.       | وَضَاهَة      | —             | — 13                |
| Deformity.     | قَبَاحَة      | —             | — 14                |
| Justice.       | عَدَالَة      | عَادِل        | — 15                |
| Gracefulness.  | وَجَاهَة      | —             | — 16                |
| Indication.    | دَلَالَة      | دَال          | 17 مَدْلُول         |
| Novelty.       | حَدَاثَة      | حَادِث        | — 18                |

مصدر ثلاثي مجزئ قسم هفدهم - فعالة

N. of time & place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification.

اسم ظرف  
اسم آلة

اسم مبالغه  
اسم صفة مشب  
اسم تفضيل

مفعَل

أفْعَل

فَعَال

|    |   |   |   |      |      |
|----|---|---|---|------|------|
| 7  |   |   |   | نقيه |      |
| 8  | — | — | — | —    | —    |
| 9  | — | — | — | نقيه | —    |
| 10 | — | — | — | سفيه | —    |
| 11 | — | — | — | صبح  | —    |
| 12 | — | — | — | لمح  | —    |
| 13 | — | — | — | فصبح | —    |
| 14 | — | — | — | قصبح | —    |
| 15 | — | — | — | عديل | —    |
| 16 | — | — | — | وجيه | —    |
| 17 | — | — | — | دليل | دلال |
| 18 | — | — | — | —    | —    |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XVII.*

|               | Verbal Noun. | Part. active. | Part. passive. |
|---------------|--------------|---------------|----------------|
|               | اسم مصدر     | اسم فاعل      | اسم مفعول      |
|               | مِعْدَالَة   | فَاعِل        | مَفْعُول       |
| Legation,     | رِسَالَة     | —             | — 1            |
| Chiefship,    | سِيَادَة     | —             | — 2            |
| Arrangement,  | نِظَامَة     | نَاظِم        | مَنْظُوم 3     |
| Guidance,     | هِدَايَة     | هَادِي        | مُهْدِي 4      |
| Vicegerency,  | وَكَاَلَة    | —             | — 5            |
| Sufficiency,  | كِفَايَة     | كَافِي        | — 6            |
| Commencement, | بِدَايَة     | بَادِي        | — 7            |
| Occupation,   | مَشَاكِبَة   | مَشَاكِبِي    | — 8            |
| Protection,   | حِمَايَة     | حَامِي        | — 9            |
| Narration,    | حِكَايَة     | حَاكِي        | — 10           |
| Agriculture,  | حِرَاثَة     | حَارِث        | — 11           |
| Defence,      | حِرَاسَة     | حَارِس        | مَحْرُوس 12    |
| Stupidity,    | حِمَاقَة     | —             | — 13           |
| Inheritance,  | وَرَاثَة     | وَارِث        | مُورِث 14      |
| Meanness,     | رِزَالَة     | —             | — 15           |
| Tradition,    | رَوَايَة     | رَاوِي        | مُرَوِي 16     |
| Adoration,    | عِبَادَة     | عَابِد        | مُعْبُود 17    |

مصدر ثلاثي مجرد      قسم مفرد      فعالة

N. of time and place.

N. of instrument.

N. of comparison.

N. of quality.

N. of amplification.

اسم ظرف

اسم آلة

اسم تفضيل

اسم صفت مشبهة

اسم مبالغة

مفعّل

أفعل

فَعِيل

فَعَّال

1

—

—

—

رسول فَعُول

2

—

—

—

سَيِّد فَعِيل

3

—

—

—

4

—

—

—

5

—

—

—

وكيل فَعِيل

6

—

—

—

7

مبد

—

—

8

—

—

—

9

—

—

—

10

—

—

—

11

—

—

—

12

—

—

—

13

—

—

—

أحق

14

—

—

—

15

—

—

—

دزيل

16

—

—

—

17

مبد

—

—

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XVIII.*

*Verbal Noun.*

*Part. active.*

*Part. passive.*

|                   |          |           |
|-------------------|----------|-----------|
| اسم مصدر          | اسم فاعل | اسم مفعول |
| Measure فَعَالَةٌ | فَاعِلٌ  |           |

Rebellion.

بَغَايَةٌ

بَاضِي

I.

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XIX.*

*Verbal noun.*

*Participle active.*

*Participle passive.*

|                 |          |           |
|-----------------|----------|-----------|
| اسم مصدر        | اسم فاعل | اسم مفعول |
| Measure فَعِيلٌ | فَاعِلٌ  |           |

Lightning.

وَمِيقُضٌ

I.

مصدر ثلاثي مجرد قسم هروهم فُعَالَةٌ

*Noun of time & place. Noun of Instrument. Noun of comparison. Noun of quality. Noun of amplification.*

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضيل اسم آل اسم ظرف

مصدر ثلاثي مجرد قسم نوزدهم فَعِيلٌ

*N. of time & place. Noun of Instrument. Noun of comparison. Noun of quality. Noun of amplification*

اسم مبالغه اسم صفة مشبه اسم تفضيل اسم آل اسم ظرف

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XX.*

|                | Verbal Noun.     | Part. active. | Part. passive. |
|----------------|------------------|---------------|----------------|
|                | اسم مصدر         | اسم فاعل      | اسم مفعول      |
|                | Measure فَعِيلَة | فَاعِل        | مَفْعُول       |
| Separation.    | قطيعة            | قاطع          | مقطوع 1        |
| Crime.         | جريرة            | —             | — 2            |
| Determination. | عزيمة            | عازم          | — 3            |
| Defeat.        | هزيمة            | —             | مهزوم 4        |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXI. continued.*

|              | Verbal Noun.   | Part. active. | Participle passive. |
|--------------|----------------|---------------|---------------------|
|              | اسم مصدر       | اسم فاعل      | اسم مفعول           |
|              | Measure فُعُول | فَاعِل        | مَفْعُول            |
| Sublimity.   | عالي           | عالي          | — 1                 |
| Presence.    | حضور           | حاضر          | — 2                 |
| Acquisition. | حصول           | حاصل          | محصول 3             |
| Appearance.  | ظهور           | ظاهر          | — 4                 |
| Issuing.     | صدور           | صادر          | — 5                 |

مصدر ثلاثي مجرد قسم بيستم فَعِيلَة

N. of time & place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفصيل اسم آله اسم ظرف  
فَعَال فَعِيل مَفْعَل

|   |      |   |   |      |      |
|---|------|---|---|------|------|
| 1 | مقطع | — | — | —    | قطاع |
| 2 | —    | — | — | جریم | —    |
| 3 | —    | — | — | —    | —    |
| 4 | —    | — | — | —    | —    |

مصدر ثلاثي مجرد قسم بیست و یکم فَعُول

N. of time & place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification

اسم مبالغه اسم صفة مشبه اسم تفضیل اسم آله اسم ظرف  
فَعِيل اَفْعَل مَفْعَل

|   |      |   |      |     |   |
|---|------|---|------|-----|---|
| 1 | —    | — | اعلی | علی | — |
| 2 | مخضر | — | —    | —   | — |
| 3 | —    | — | —    | —   | — |
| 4 | مظهر | — | اظهر | —   | — |
| 5 | مصدر | — | —    | —   | — |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXI. continued.*

|                           | Verbal nouns.               | Part. active.      | Part. passive.        |
|---------------------------|-----------------------------|--------------------|-----------------------|
|                           | اسم مصدر<br>Mcafure. فَعُول | اسم فاعل<br>فَاعِل | اسم مفعول<br>مَفْعُول |
| Comprehension.            | شمول                        | شامل               | مشمول 6               |
| Default.                  | قصور                        | قاصر               | مقصور 7               |
| Descending.               | حادٍ                        | —                  | — 8                   |
| Conjunction.              | وصيل                        | واصل               | موصول 9               |
| Uncommonness.             | شذوذ                        | شاذ                | — 10                  |
| Rising.                   | طالع                        | طالع               | — 11                  |
| Setting.                  | غروب                        | —                  | — 12                  |
| Brightness.               | مشروق                       | شامق               | — 13                  |
| Proving (by witnesses.)   | ثبوت                        | ثابت               | — 14                  |
| Falling.                  | سقوط                        | ساقط               | — 15                  |
| Novelty.                  | حدوث                        | حادث               | — 16                  |
| Arriving (off a journey.) | قيدوم                       | قادم               | — 17                  |
| Necessity.                | لزوم                        | لزوم               | ملزوم 18              |
| Entrance.                 | دخول                        | —                  | مدخول 19              |

مصدر ثانی مجرد قسم بیست و یکم فَعُول

N. of time & place. N. of Instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification.

اسم ظرف

اسم صفت مشبیه اسم تفضیل اسم آله

اسم مبالغه

مفعَل

افعل

فعیل

|    |            |   |      |      |   |
|----|------------|---|------|------|---|
| 6  | —          | — | —    | —    | — |
| 7  | —          | — | اقمر | —    | — |
| 8  | محال       | — | —    | —    | — |
| 9  | —          | — | —    | —    | — |
| 10 | —          | — | —    | —    | — |
| 11 | مطامع      | — | —    | —    | — |
| 12 | مغرب مفعَل | — | —    | —    | — |
| 13 | مشرق مفعَل | — | —    | —    | — |
| 14 | —          | — | —    | —    | — |
| 15 | مقط        | — | —    | —    | — |
| 16 | —          | — | —    | —    | — |
| 17 | مقدم       | — | —    | —    | — |
| 18 | —          | — | —    | —    | — |
| 19 | مدخل       | — | —    | دخیل | — |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXII.*

|              | <i>Verbal noun.</i>            | <i>Part. active.</i> | <i>Part. passive.</i> |
|--------------|--------------------------------|----------------------|-----------------------|
|              | اسم مصدر<br>مَعْوَلَة Measure. | اسم فاعل<br>فَاعِل   | اسم مفعول<br>مَعْمُول |
| Difficulty,  | صعوبة                          | —                    | — 1                   |
| Accidity,    | حموضة                          | حامض                 | — 2                   |
| Viscosity,   | لزوجة                          | —                    | — 3                   |
| Unluckiness, | سُخْوة                         | —                    | منجوس 4               |
| Frigidity,   | برودة                          | بارد                 | مبرود 5               |
| Dryness,     | يبوسة                          | يابس                 | — 6                   |
| Greasiness,  | وسومية                         | —                    | — 7                   |
| Stypticity,  | عفوية                          | —                    | — 8                   |
| Saltiness,   | ملوحة                          | مالح                 | — 9                   |
| Heat,        | سخونة                          | —                    | — 10                  |
| Humidity,    | رطوبة                          | —                    | مرطوب 11              |
| Congelation, | جمودة                          | جامد                 | — 12                  |
| Facility,    | سهولة                          | —                    | — 13                  |

مصدر ثلاثي مجرد قسم بيست و دوم فعولَة

N. of time & place. N. of Instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification.

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضيل اسم آلة اسم ظرف  
فعل افعل

|    |   |   |              |   |
|----|---|---|--------------|---|
| 1  | — | — | صعب فعل اصعب | — |
| 2  | — | — | —            | — |
| 3  | — | — | لمزج فعل     | — |
| 4  | — | — | نحس          | — |
| 5  | — | — | ابرز         | — |
| 6  | — | — | اييس         | — |
| 7  | — | — | دسم          | — |
| 8  | — | — | عقص          | — |
| 9  | — | — | لميع فعيل    | — |
| 10 | — | — | اسخن سخين    | — |
| 11 | — | — | ارطب رطب     | — |
| 12 | — | — | —            | — |
| 13 | — | — | اسهل         | — |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXIII.*

|                 | <i>Verbal Noun.</i> | <i>Part. active.</i> | <i>Part. passive.</i> |
|-----------------|---------------------|----------------------|-----------------------|
|                 | اسم مصدر            | اسم فعل              | اسم مفعول             |
|                 | Measure مفعّل       | فَاعِل               |                       |
| Entrance,       | مدخل                | مدخولة مفعولة داخل   | 1                     |
| Aggrandisement, | مغشّر               | فاخر                 | 2                     |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXIV.*

|         | <i>Verbal Noun.</i> | <i>Part. active.</i> | <i>Participle passive.</i> |
|---------|---------------------|----------------------|----------------------------|
|         | اسم مصدر            | اسم فاعل             | اسم مشغول                  |
|         | Measure مفعّل       | فَاعِل               | مَفْعُول                   |
| Return, | مرجع                | راجع                 | مرجوع 1                    |
| Speech, | منطق                | ناطق                 | منطوق 2                    |

مصدر ثلاثي مجرد قسم بیست و سیم مفعَل

*N. of time & place.*    *N. of Instrument.*    *N. of comparison.*    *N. of quality.*    *N. of amplification*

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضیل اسم آلہ اسم ظرف  
فَعَال . فَعِيل مَفْعَل

|   |      |   |   |        |      |
|---|------|---|---|--------|------|
| 1 | مدخل | — | — | و خیال | —    |
| 2 | مفخر | — | — | —      | فخار |

مصدر ثلاثي مجرد قسم بیست و چهارم فعول

*N. of time & place.*    *N. of instrument.*    *N. of comparison.*    *N. of quality.*    *N. of amplification*

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضیل اسم آلہ اسم ظرف  
مَفْعَل

|   |      |   |   |   |   |
|---|------|---|---|---|---|
| 1 | مجمع | — | — | — | — |
| 2 | —    | — | — | — | — |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXV.*

|             | <i>Verbal Nouns.</i> | <i>Part. active.</i> | <i>Part. passive.</i> |
|-------------|----------------------|----------------------|-----------------------|
|             | اسم مصدر             | اسم فاعل             | اسم مفعول             |
|             | مَنْعَلَة Measure    | فَاعِل               | مَنْعُول              |
| Dignity,    | مَكْرَمَة            | —                    | — 1                   |
| Compassion, | مَرْحَمَة            | رَاحِم               | مَرْحُوم 2            |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXVI.*

|               | <i>Verbal noun.</i> | <i>Participle active.</i> | <i>Participle passive.</i> |
|---------------|---------------------|---------------------------|----------------------------|
|               | اسم مصدر            | اسم فاعل                  | اسم مفعول                  |
|               | مَنْعَلَة Measure   | فَاعِل                    | مَنْعُول                   |
| Commendation, | مُحَمِّدَة          |                           | مُحَمِّد 1                 |
| Forgiveness,  | مَغْفِرَة           |                           | مَغْفُور 2                 |
| Premise,      | مَوْعِدَة           |                           | مَوْعُود 3                 |
| Exhortation,  | مَوْعِظَة           | وَاعِظ                    | — 4                        |

مصدر ثلاثي مجرد قسم بيست و پنجم مفعلة

*Noun of time & place, Noun of Instrument, Noun of comparison, Noun of quality, Noun of amplification.*

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضيل اسم آله اسم ظرف  
فَعِيلُ أَفْعَلُ

|   |       |       |      |      |       |
|---|-------|-------|------|------|-------|
| 1 | _____ | _____ | اكرم | كريم | _____ |
| 2 | _____ | _____ | ارحم | رحيم | _____ |

مصدر ثلاثي مجرد قسم بيست و ششم مفعلة

*N. of time & place, Noun of Instrument, Noun of comparison, Noun of quality, Noun of amplification.*

اسم مبالغه اسم صفة مشبه اسم تفضيل اسم آله اسم ظرف  
فَعَالُ فَعِيلُ أَفْعَلُ

|   |       |       |       |       |       |
|---|-------|-------|-------|-------|-------|
| 1 | _____ | _____ | احمد  | حميد  | حماد  |
| 2 | _____ | _____ | _____ | _____ | خمار  |
| 3 | _____ | _____ | _____ | _____ | _____ |
| 4 | _____ | _____ | _____ | _____ | _____ |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXVII.*

|             | <i>Verbal noun.</i> | <i>Part. active.</i> | <i>Part. passive.</i> |
|-------------|---------------------|----------------------|-----------------------|
|             | اسم مصدر            | اسم فاعل             | اسم مفعول             |
| Measure.    | فَعْلَى             | فَاعِل               | مَفْعُول              |
| Pretension, | دَعْوَى             | دَاعِي               | 1 مدعو                |
| Wish,       | رَغْبَى             | رَاغِب               | 2 مرغوب               |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXVIII. continued.*

|              | <i>Verbal noun.</i> | <i>Part. active.</i> | <i>Part. passive.</i> |
|--------------|---------------------|----------------------|-----------------------|
|              | اسم مصدر            | اسم فاعل             | اسم مفعول             |
| Measure.     | فَعْلَى             | فَاعِل               | مَفْعُول              |
| Remembrance. | ذِكْرَى             |                      | 1 مذکور               |

مصدر ثلاثي مجرد قسم بیست و هشتم فعلی

*N. of time and place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification*

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضیل اسم آل اسم ظرف  
أَفْعَل

1 — — — —  
2 — — — —

مصدر ثلاثي مجرد قسم بیست و هشتم فعلی

*N. of time and place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification*

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضیل اسم آل اسم ظرف

1 — — — —

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXIX.*

| <i>Verbal Noun.</i> | <i>Part. active.</i> | <i>Part. passive.</i> |
|---------------------|----------------------|-----------------------|
| مصدر                | اسم فاعل             | اسم مفعول             |
| Measure فَعْلَى     |                      |                       |

Good tidings,

بشري

—

— 1

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXX.*

| <i>Verbal Noun.</i> | <i>Part. active.</i> | <i>Part. passive.</i> |
|---------------------|----------------------|-----------------------|
| اسم مصدر            | اسم فاعل             | اسم مفعول             |
| Measure فَعْلَان    | فَاعِل               | مَفْعُول              |

Distillation,

قطران

قاطر

مقطور 1

Vexation,

غضبان

مغضوب 2

مصدر مثلاً ثنی مجرد قسم بیست و نه *فَعَلَى*

*N. of time & place.*

*N. of Instrument.*

*N. of comparison.*

*N. of quality. N. of amplification*

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضیل اسم آل اسم ظرف  
فَعِيل

بشیر

مصدر مثلاً ثنی مجرد قسم سیم *فَعَلَان*

*N. of time & place.*

*N. of Instrument.*

*N. of comparison.*

*N. of quality.*

*N. of amplification*

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضیل اسم آل اسم ظرف

1

2

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXXI.*

|                | Verbal Noun. | Part. active. | Part. passive. |
|----------------|--------------|---------------|----------------|
|                | مصدر         | اسم فاعل      | اسم مفعول      |
|                | فَعْلَان     | فَاعِل        | مَفْعُول       |
| Despair,       | حرمان        | —             | محرور 1        |
| Forgetfulness, | نسيان        | ناسي          | منسي 2         |
| Separation,    | بهران        | —             | مبهور 3        |
| Concealment,   | کتمان        | —             | مکتموم 4       |
| Satisfaction,  | رضوان        | راضي          | مرضي 5         |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXXII.*

|               | Verbal noun. | Participle active. | Participle passive. |
|---------------|--------------|--------------------|---------------------|
|               | مصدر         | اسم فاعل           | اسم مفعول           |
|               | فَعْلَان     | فَاعِل             | مَفْعُول            |
| Forgiveness,  | غفران        | غافر               | مغفور 1             |
| Disobedience, | طغيان        | طاغي               | — 2                 |
| Reading.      | قرآن         | قاري               | مقروء 3             |
| Vanity,       | باطلان       | باطل               | — 4                 |
| Founding,     | بنیان        | باني               | — 5                 |
| Excellence,   | برجنان       | راجح               | مرجوح 6             |

مصدر ثلاثي مجرد قسم سي ويكم . فَعْلَان

*Noun of time & place. Noun of Instrument. Noun of comparison. Noun of quality. Noun of amplification*

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضيل اسم آلة اسم ظرف

|   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|
| 1 | — | — | — | — | — |
| 2 | — | — | — | — | — |
| 3 | — | — | — | — | — |
| 4 | — | — | — | — | — |
| 5 | — | — | — | — | — |

مصدر ثلاثي مجرد قسم سي ودوم فَعْلَان

*N. of time & place. Noun of Instrument. Noun of comparison. Noun of quality. Noun of amplification*

اسم مبالغه اسم صفة مشبه اسم تفضيل اسم آلة اسم ظرف فَعَال

|   |   |   |   |   |        |
|---|---|---|---|---|--------|
| 1 | — | — | — | — | فَعَال |
| 2 | — | — | — | — | —      |
| 3 | — | — | — | — | —      |
| 4 | — | — | — | — | —      |
| 5 | — | — | — | — | —      |
| 6 | — | — | — | — | —      |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXXIII.*

|             | <i>Verbal Noun.</i> | <i>Part. active.</i> | <i>Part. passive</i> |
|-------------|---------------------|----------------------|----------------------|
|             | اسم مصدر            | اسم فاعل             | اسم مفعول            |
|             | Measure فَعْلَان    | فَاعِل               | مَفْعُول             |
| Prating,    | هذيان               | —                    | — 1                  |
| Flowing,    | جریان               | جاری                 | 2 مجری               |
| Revolution, | دوران               | دائر                 | — 3                  |
| Ebuli,      | ہیجان               | ہائج                 | — 4                  |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXXIV.*

|             | <i>Verbal Noun.</i> | <i>Part. active.</i> | <i>Participle passive.</i> |
|-------------|---------------------|----------------------|----------------------------|
|             | مصدر                | اسم فاعل             | اسم مفعول                  |
|             | Measure فَعَالِيَّة | فَاعِل               | مَفْعُول                   |
| Abhorrence, | کراهت               | کراہ                 | 1 مکروه                    |

مصدر ثلاثي مجرّد قسم سيّ وسيوم فعّالان

*N. of time & place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification*

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضيل اسم آله اسم ظرف

|   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|
| 1 | — | — | — | — | — |
| 2 | — | — | — | — | — |
| 3 | — | — | — | — | — |
| 4 | — | — | — | — | — |

مصدر ثلاثي مجرّد قسم سيّ و چهارم فعّالية

*N. of time & place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification*

اسم مبالغه اسم صفة مشبه اسم تفضيل اسم آله اسم ظرف

فَعِيلُ . اَفْعَلُ

— كَرِيهْ اَكْرَهْ —

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXXV.*

|                   | Verbal noun. | Part. active. | Part. passive. |
|-------------------|--------------|---------------|----------------|
|                   | مصدر         | اسم فاعل      | اسم مفعول      |
| Measure.          | فَعْدُولَةٌ  | فَاعِلٌ       |                |
| Meridian napping, | قِيَاوَةٌ    | قَائِلٌ       | — 1            |
| Existence,        | كَيْنُونَةٌ  | كَائِنٌ       | — 2            |
| Intervention,     | حَمُولَةٌ    | حَائِلٌ       | — 3            |
| Perpetuity,       | دِيَمُومَةٌ  | دَائِمٌ       | — 4            |
| Night lodging,    | بَيْتَوَةٌ   | —             | — 5            |

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXXVI. continued.*

|          | Verbal noun. | Part. active. | Part. passive. |
|----------|--------------|---------------|----------------|
|          | مصدر         | اسم فاعل      | اسم مفعول      |
|          | فَعُولٌ      | فَاعِلٌ       | مَفْعُولٌ      |
| Consent, | قَبُولٌ      | —             | مَقْبُولٌ      |

مصدر ثلاثي مجرد قسم سي ونسجم . فَعْلَوَاتٌ

N. of time and place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضيل اسم آل اسم ظرف مفعول

|   |      |   |   |   |   |
|---|------|---|---|---|---|
| 1 | مبيل | — | — | — | — |
| 2 | —    | — | — | — | — |
| 3 | محل  | — | — | — | — |
| 4 | —    | — | — | — | — |
| 5 | مبيت | — | — | — | — |

مصدر ثلاثي مجرد قسم سي و ششم فَعُول

N. of time & place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification.

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضيل اسم آل اسم ظرف

فَعِيل

رقيب

*Derivatives from the simple three lettered Verbs, Class XXXVII.*

|          | Verbal Noun. | Part. active. | Part passive. |
|----------|--------------|---------------|---------------|
|          | مصدر         | اسم فاعل      | اسم مفعول     |
| Measure  | مَعْلَمَة    | فَاعِل        | مَفْعُول      |
| Emperor, | مَمْلُوكَة   | مَالِك        | 1 مَمْلُوك    |
| Power,   | مَقْدَرَة    | قَادِر        | 2 مَقْدُور    |

مصادر قسم سي و هشتم رباعی مجرد

*Derivatives from the simple four lettered Verbs.*

|                            | فَعْلَانَة | مَفْعَل   | مَفْعَلَل  |
|----------------------------|------------|-----------|------------|
| Incitement,                | إِعْشَارَة | مَبْشُر   | مَبْشُور   |
| Revolution,                | دَحْرَجَة  | مَدْحَرَج | مَدْحَرُوج |
| Yellowness,                | زَعْفَرَة  | مَزْعَفَر | مَزْعَفُور |
| Encampment,                | عَسْكَرَة  | مَعْسَكِر | مَعْسَكُور |
| Renovation of writing, &c. | جَدْرَة    | مُجَدِّر  | مُجَدَّر   |
| Veiling,                   | بِرْقَة    | مَبْرِق   | مَبْرُوق   |

مصدر ثلاثي مجرد قسم سبي و هـ شتم مفعلة

N. of time & place. N. of instrument. N. of comparison. N. of quality. N. of amplification

اسم مبالغه اسم صفت مشبه اسم تفضيل اسم آله اسم ظرف  
فَعِيل

|   |   |   |   |      |   |
|---|---|---|---|------|---|
| 1 | — | — | — | —    | — |
| 2 | — | — | — | قديم | — |

مصادر رباعي مجرد

Derivatives from the simple four lettered Verbs, continued.

|               | فَعَّلَة | مَفْعِل | مَفْعُول |
|---------------|----------|---------|----------|
| Saying grace, | بسمه     | مبسم    | —        |
| Temptation,   | وسوسه    | موسوس   | موسوس    |
| Titillation,  | وغدغه    | مدغدغ   | مدغدغ    |
| Laughter,     | فقهقهه   | مقهقهه  | مقهقهه   |
| Earthquake,   | زلزله    | مززلزل  | مززلزل   |

مصادر مبنی بر باعی مجرد هفت قسم است

*Derivatives from the Verbs annexed to four lettered Verbs.*

*Class I.*

|                             | مَفْعَلٌ | مَنْعِلٌ (۱) فَعْلَلَةٌ |          |
|-----------------------------|----------|-------------------------|----------|
| Putting a sheet on another, | مَجَابِب | مَجْلِب                 | طَلِبَة  |
| Swiftness,                  | مَثَل    | مَثَل                   | شَمَالَة |

*Class II.*

|                           | مَنْعَلٌ | مَنْعِلٌ (۲) فَعْلَلَةٌ |           |
|---------------------------|----------|-------------------------|-----------|
| Putting a cap on another, | مَقَانِس | مَقْلِس                 | قَلْنِسَة |
| Austerity,                | مَعْبَس  | مَعْبَس                 | عَبَسَة   |

*Class III.*

|                       | مَفْعُولٌ | مَفْعُولٌ (۳) فَوَعْلَةٌ |           |
|-----------------------|-----------|--------------------------|-----------|
| Putting on trowsers,  | مَجْرِب   | مَجْرِب                  | جَوْرِبَة |
| Founding a Monastery, | مَصْرِع   | مَصْرِع                  | صَوْمَعَة |

*Class IV.*

|                      | مَنْعُولٌ   | مَنْعُولٌ (۴) فَعْوَلَةٌ |            |
|----------------------|-------------|--------------------------|------------|
| Putting on trowsers, | مَسْرُول    | مَسْرُول                 | سَرْوَلَة  |
| Clamour,             | مَجْهَوْر   | مَجْهَوْر                | جَهْوَرَة  |
| Commencement,        | مَعْمُولُون | مَعْمُولُون              | عَمْلُونَة |

مصادر ملحق بر باعی مجزود هفت قسم است

*Derivatives from the Verbs annexed to four lettered Verbs.*

*Class V.*

|                               | مفعِّل (٥) | مفعِّل | مفعِّل |
|-------------------------------|------------|--------|--------|
| Diabolism,                    | مشیطه      | مشیطن  | مشیطن  |
| Wearing a sleeveless garment, | مخیمه      | مخیم   | مخیم   |
| Farriery,                     | مپیطره     | مپیطر  | مپیطر  |

*Class VI.*

|          | مفعِّل (٦) | مفعِّل | مفعِّل |
|----------|------------|--------|--------|
| Pruning, | مشریفه     | مشریف  | مشریف  |
| Gilding, | مجریله     | مجریل  | مجریل  |

*Class VII.*

|                             | مفعِّل (٧) | مفعِّل | مفعِّل |
|-----------------------------|------------|--------|--------|
| Putting a cap upon another, | مقلباه     | مقلی   | مقلی   |
| Sleeping on the back,       | مقلابه     | مقلی   | مقلی   |

مصادر رباعي مزيد سه قسم است

*Derivatives from four lettered Verbs, with serviles.*

*Class I.*

(۱) تَفَعَّلَ

مُتَفَعِّلٌ

Wearing a sleeveless garment,

تُرَبِّلُ

مُتَرَبِّلٌ

Revolution,

تُدَحْرِجُ

مُدَحْرِجٌ

Prosperity,

تُجَيِّدُ

مُجَيِّدٌ

Paganism,

تُرْزِقُ

مُرْزِقٌ

Veiling,

تُجَرِّقُ

مُجَرِّقٌ

*Class II.*

(۲) اِفْعَلَّ

مُفْعَلٌ

Assemblage,

اِحْرَجَ

مُحْرَجٌ

Extensiveness,

اِبْلَدَّ

مِبْلَدٌ

*Class III.*

(۳) اِنْعَلَّ

مِنْعَلٌ

Horror, (making the hair stand erect,)

اَقْبَعَرَ

مَقْبَعَرٌ

Vanishing,

اَضْمَلَّ

مُضْمَلٌ

Thick darkness,

اَدْلَمَّ

مَدْلَمٌ

مصادر ملحق بثمانى اقسام است

*Derivatives from four annexed lettered Verbs.*

*Class I.*

(۱) تَفَعَّلَ

تَجَلَّاب

Wearing a shirt,

مَتَفَعَّلَ

مَتَجَلَّاب

*Class II.*

(۲) تَفَعَّلَ

تَمَنَّس

Wearing a cap,

مَتَفَعَّلَ

مَتَمَنَّس

*Class III.*

(۳) تَفَعَّلَ

تَمَسَّكَن

Indigence,

مَتَفَعَّلَ

مَتَمَسَّكَن

Embracing a sect,

تَمَذَّهَب

مَتَمَذَّهَب

Ridicule,

تَمَسَّخَر

مَتَمَسَّخَر

*Class IV.*

(۴) تَفَعَّلَ

تَبَغَّرَ

Wickedness,

مَتَفَعَّلَ

مَتَبَغَّرَ

*Class V.*

(۵) تَفَعَّلَ

تَجَوَّرَ

Wearing trowsers,

مَتَفَعَّلَ

مَتَجَوَّرَ

Dirtiness,

تَكَاثَر

مَتَكَاثَر

مصادر ملحق بتفعّل هشت قسم است

*Derivatives from four annexed lettered verbs.*

*Class VI.*

(۶) تَفَعَّلَ

مَتَفَعَّلَ

Wearing trowsers,

نَرَدَل

مَتَرَدَل

*Class VII.*

(۷) تَغَيَّلَ

مَتَغَيَّلَ

Farriery,

تَبَيَّطَ

مَتَبَيَّطَ

Putting on a sleeveless garment,

تَجَيَّلَ

مَتَجَيَّلَ

Indigence,

تَعَيَّرَ

مَتَعَيَّرَ

*Class VIII.*

(۸) تَغَلَّيَ

مَتَغَلَّيَ

Sleeping on the back,

تَقَلَّى

مَتَقَلَّى

Putting on a cap,

تَقَلَّى

مَتَقَلَّى

Falling,

تَجَعَّبَ

مَتَجَعَّبَ

مصدر ملحق بافعال دو قسم است

*Augmented Verbs to the 2d class of four lettered verbs with serviles.*

*Class I.*

(۱) اَفْعَلَال

مَفْعَلَال

Retrogradation,

اَفْعَلَال

مَفْعَلَال

*Class II.*

(۲) اَفْعَلَاءَ

مَفْعَلَاءَ

"Sleeping on the back,

اَسْبَغَاءَ

مَفْعَلَاءَ

مصدر ثلاثی مزید قسم اول افعال

*Derivatives from three lettered Verbs, with serviles, Class I:*

|              | مصدر     | اسم فاعل | اسم مفعول |
|--------------|----------|----------|-----------|
|              | اَفْعَال | مَفْعَل  | مَفْعَل   |
| Veneration,  | اَكْرَام | مَكْرَم  | مَكْرَم   |
| Guidance,    | اِرْشَاد | مِرْشَد  | مِرْشَد   |
| Denial,      | اِنْكَار | مَنْكِر  | مَنْكِر   |
| Prodigality, | اِسْرَاف | مُسْرِف  | مُسْرِف   |

مصدر ثلاثي مزيد قسم اول افعال

Derivatives from three lettered Verbs, with *feriiles*, Class I. continued.

|                        | اسم مفعول | اسم فاعل | مصدر   |
|------------------------|-----------|----------|--------|
|                        | مفعول     | مفعول    | افعال  |
| Confession,            | —         | مقر      | اقرار  |
| Justice,               | —         | منصف     | انصاف  |
| Courtesy,              | —         | محسن     | احسان  |
| Exposition of the law, | مفتش      | مفتش     | افتحار |
| Causing to fall,       | —         | مستط     | استطاء |
| Numeration,            | —         | محصو     | احصاء  |
| Sinfulness,            | —         | مذنب     | اذاذب  |
| Injoining,             | —         | مضمر     | اضمار  |
| Perseverance,          | —         | مصر      | اصرار  |
| Reviving,              | —         | محيي     | احياء  |
| Apprising,             | مخبر      | مخبر     | اخبار  |
| Oppressing,            | —         | مجبور    | اچبار  |
| Benefitting,           | مفاد      | مفيد     | افاده  |
| Causing to return,     | معاود     | معيد     | اعاده  |
| Breaking a contract,   | —         | مفاد     | اقال   |
| Will,                  | مراد      | مرشد     | ارادة  |
| Sending,               | مرسل      | مرسل     | ارسال  |

مصادر ثلاثی مزید قسم دوم تفخیل

*Derivatives from three lettered Verbs with serviles, Class II*

|                    | اسم مفعول | اسم فاعل | مصدر  |
|--------------------|-----------|----------|-------|
|                    | مفعَل     | مفعَل    | تفعیل |
| Praise,            | محمّد     | —        | تحمید |
| Veneration,        | مکرم      | مکرم     | تکرم  |
| Respect,           | معظم      | معظم     | تعظیم |
| Instruction,       | مودب      | مودب     | تأذیب |
| Adorning,          | مہذب      | مہذب     | تہذیب |
| Arrangement,       | مرتب      | مرتب     | ترتیب |
| Imposition,        | مکاف      | مکاف     | تکلیف |
| Composition,       | مصنف      | مصنف     | تصنیف |
| Compilation,       | مولف      | مولف     | تالیف |
| Deputation,        | —         | موکل     | توکیل |
| Invention,         | مجدد      | مجدد     | تجدید |
| Giving precedence, | مقدم      | —        | تقدیم |
| Commendation,      | موصوف     | موصوف    | توصیف |
| Explanation,       | معترف     | معترف    | تعریف |

مصادر ثلاثي مزيد قسم دوم تفعيل

*Derivatives from three lettered Verbs with serviles Class II: continued.*

|                    | مصدر     | اسم فاعل | اسم مفعول |
|--------------------|----------|----------|-----------|
|                    | تَفْعِيل | مَفْعَل  | مَفْعُول  |
| Rendering useless, | تَعْطِيل | —        | مَعْطُول  |
| Cleansing,         | تَنْقِيح | —        | مَنْقُوح  |
| Distilling,        | تَقْطِير | —        | مَقْطُور  |
| Deficiency,        | تَقْصِير | مَقْصَر  | مَقْصُور  |
| Deliberation,      | تَدْبِير | مَدْبِر  | مَدْبُور  |
| Perfecting,        | تَكْمِيل | مَكْمَل  | مَكْمُول  |

مصادر ثلاثي مزيد قسم سبب مفاعلة

*Derivatives from three lettered Verbs with serviles, Class III.*

|              | مصدر       | اسم فاعل | اسم مفعول |
|--------------|------------|----------|-----------|
|              | مَفَاعَلَة | مَفَاعِل | مَفَاعُول |
| Conformity,  | مُؤَافَاة  | مُؤَافِئ | مُؤَافُئ  |
| Association, | مُؤَافَاة  | مُؤَافِئ | مُؤَافُئ  |
| Resemblance, | مُنَاسَبَة | مُنَاسِب | —         |

مصادر ثلاثي مزيد قيم سيوم مفاعلة

*Derivatives from three lettered Verbs with serviles, Class III. continued.*

| اسم مفعول | اسم فاعل  | مصدر        |
|-----------|-----------|-------------|
| مُفَاعَلٌ | مُفَاعِلٌ | مُفَاعَلَةٌ |
| —         | مُجَادِلٌ | مُجَادَلَةٌ |
| —         | مُصَاحِبٌ | مُصَاحَبَةٌ |
| —         | مُتَافِقٌ | مُتَافِقَةٌ |
| —         | مُعَاشِرٌ | مُعَاشَرَةٌ |
| —         | مُقَاوِمٌ | مُقَاوِمَةٌ |
| —         | مُلَازِمٌ | مُلَازِمَةٌ |
| —         | مُوَاطِبٌ | مُوَاطِبَةٌ |
| —         | مُهَاجِرٌ | مُهَاجَرَةٌ |
| —         | مُزَاحِمٌ | مُزَاحِمَةٌ |
| —         | مُجَاهِدٌ | مُجَاهِدَةٌ |
| —         | مُقَاتِلٌ | مُقَاتَلَةٌ |
| —         | مُعَانِدٌ | مُعَانِدَةٌ |
| —         | مُسَاعِدٌ | مُسَاعَدَةٌ |
| —         | مُخْلَصٌ  | مُخْلَصَةٌ  |

مصادر ثلاثی مزید قسم چہارم افتعال

Derivatives from three lettered Verbs with serviles, Class IV.

| اسم مفعول | اسم فاعل  | مصدر       |
|-----------|-----------|------------|
| مَفْتَعِل | مَفْتَعِل | اِفْتَعَال |
| مصطفیٰ    | —         | اصطفاه     |
| مجتبیٰ    | —         | اجتباہ     |
| مرقبی     | —         | ارقباه     |
| مجتب      | مجتب      | اجتتاب     |
| منتجب     | منتجب     | انتساب     |
| منتخب     | منتخب     | انتخاب     |
| محتسب     | محتسب     | احتساب     |
| معتبر     | معتبر     | اعتبار     |
| مقتدر     | مقتدر     | اقدار      |
| مشتہر     | مشتہر     | اشہار      |
| مختلف     | مختلف     | اختلف      |
| —         | متحد      | اتحاد      |
| —         | مہیج      | امہاج      |
| —         | معدل      | اعدال      |